



مستحکم باد اتحاد کارگران سراسر جهان

صفحه ۲

ارتقاء اشکال مبارزه طبقه کارگر

تعدایی نیزسرکوب شده و بدون نتیجه پایان یافته اند. طی سالهای گذشته، لاقل از نیمه دوم دهه ۶۰ به این سو، ماههای پایانی هر سال با اعتراضات کارگری قرین بوده است. در بهمن و اسفند هر سال، مطالبات کارگری و بطور عمده نحوه پرداخت و میزان پاداش و عیدی، چگونگی افزایش دستمزدها و طرح طبقه بندی مشاغل موضوع کشاکش میان کارگران و سرمایه داران و دولت آنها بود. اما چند نکته مبارزات و مطالبات کارگری در شرایط فعلی را از سالهای

صفحه ۲

ماههای پایانی سال ۱۳۷۸، باگسترش حرکات اعتراضی کارگران کارخانه ها و موسسات مختلف همراه بود. این حرکات به ویژه دردی ماه، بهمن و اسفند به اوج خود رسید. در هر یک از این ماه ها ده ها اعتصاب، تظاهرات، تحصن و اجتماع اعتراضی برپا شد. در برخی از این حرکات، کارگران توانستند تمام یا بخشی از مطالبات شان را به سرمایه داران تحمیل کنند، برخی دیگر با وعده و وعید مدیران کارخانه ها، مسئولان وزارت کار، یا بخشداری و استانداری موقتا فروکش کرده،

مبارزه جناحها اشکال خشن تری به خود می گیرد

رویدادهای سیاسی پس از انتخابات مجلس ششم که انعکاسی از تشدید تضادهای و درگیریهای درونی جناحهای هیئت حاکمه اند، به وضوح نشان می دهند که بحران قدرت حاکم در ایران ابعاد نویینی به خود گرفته است.

هنوز چند روزی از اعلام نتایج انتخابات نگذشته بود که در اواسط اسفند ماه، جاریان یکی از سران جبهه مشارکت اسلامی و مشاور خاتمی در امور امنیتی، توسط یک گروه از اعضا سپاه پاسداران ترور شد. این ترور که تنها چند روزی پس از پیروزی جبهه مشارکت اسلامی در انتخابات مجلس ارتجاع انجام گرفت، در عین حال که پیام سیاسی ویژه ای برای جناح طرفدار خاتمی داشت، نشانی از این واقعیت است که با بحرانی تر شدن اوضاع سیاسی و مرحله جدید توازن قوای جناح های رقیب هیئت حاکمه، مبارزه دو جناح اصلی هیئت حاکمه، اشکالی خشن تر و حتی قهر آمیز به خود خواهد گرفت. جناح خامنه ای در طول ۲ سالی که از انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی خاتمی می گذرد، مداوما قدرت خود را در برابر جناح دیگر از دست داده است. این جناح در پی انتخابات اخیر که اکثریت خود را در مجلس نیز از دست داد، دیگر چشم اندازی برای حفظ موقعیت خود به شیوه های معمولی در چارچوب رقابت های سیاسی جناح ها ندارد، از این رو لاقل دسته جاتی از این جناح در تلاش اند، تاکتیک های خشن نظامی را در دستور کار قرار دهند و با سرکوب حتی جناح رقیب، اوضاع را تحت کنترل در آورند. یکی از سران گروه انصار حزب الله اخیرا گفت، از آنجائی که طرفداران خاتمی تنها حاضرند در مبارزه مسالمت آمیز شرکت کنند، جناح مقابل باید تاکتیکهای را در دستور قرار دهد که آنها نتوانند از پس آنها برآیند. منظور او البته تاکتیکهای نظامی و قهر آمیز بود. این نکته نیز روشن است که سران انصار حزب الله، خط سیاسی خود را از جای دیگر و از مراکز اصلی قدرتهای درون هیئت حاکمه می گیرند. بنابراین، تحلیل سران انصار حزب الله، تحلیل و خط سیاسی گروههای قدرتمندی از هیئت حاکمه است که حتی مدارای رژیم را با طرفداری خاتمی نمی پذیرند. البته نمیتوان انکار کرد که در جناح خامنه ای دسته جاتی هستند که می فهمند، خاتمی برای نجات رژیم از بحران تلاش میکند و هدفی جز حفظ رژیم در شرایط امروز ندارد. بنابراین هنوز از تاکتیک های ظریف تر و پیچیده تر سیاسی

صفحه ۲

تلاش وحدت طلبانه چپ انقلابی

طیف وسیعی از نیروهای چپ انقلابی، تلاش گسترده ای را برای ایجاد نوعی از وحدت، برای ایجاد یک بلوک چپ انقلابی آغاز کرده اند. این تلاش با استقبال وسیعی روبرو شده است. این تلاش و این استقبال حاکی از این واقعیت است که لاقل بخش مهمی از نیروهای چپ آگاه و انقلابی مصمم اند در پاسخ به نیازهای فوری جنبش، دفاع از مطالبات انقلابی توده

صفحه ۴

سخنرانی رفیق توکل

در مراسم سالروز قیام و سیاهکل

صفحه ۷

در این شماره

پیام های رسیده به سازمان به مناسبت سالروز سیاهکل	صفحه ۱۴
گرامیداشت ۸ مارس در تهران	صفحه ۱۶
ستون مباحثات: تکرار تناقضات پیشین	صفحه ۵
اعلام موجودیت «مبارزین خط انقلابی پ. ک. ا»	صفحه ۱۳
تحولات درونی حزب کارگر برزیل (PT)	صفحه ۱۵
گزیده ای از نامه های رسیده	صفحه ۱۱
خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان در یک ماه گذشته	صفحه ۶
اخبار کارگری جهان	صفحه ۶ - اخباری از ایران

ارتقاء اشکال مبارزه طبقه کارگر

گذشته متمایز می کنند که اشاره وار به آنها می پردازیم.

الف_ درسال گذشته ، عدم پرداخت دستمزدها از سوی سرمایه داران ، ابعاد بی سابقه ای یافت . استثمار وحشیانه ، نبود ایمنی محیط کار ، عدم تضمین شغلی ، سطح نازل بیمه و درمان و بهداشت و مسائلی از این دست که سال هاست طبقه کارگر را تحت شدیدترین فشارها قرار داده اند ، اخیرا با عدم پرداخت همان دستمزدهای ناچیز و بخورونمیر تکمیل شد. در مواردی _ مانند کارخانه ملبیران _ سرمایه داران به مدت نزدیک به ۲ سال از پرداخت دستمزد کارگران سرباززده اند. این مسئله سطح زندگی نازل و زندگی فقیرانه کارگران را بازهم پائین تر آورده است. کارگران در مقابل این اجحافات ، به مبارزه برخاستند ، بطوریکه یکی از عمده ترین مطالبات کارگران در سال گذشته پرداخت دستمزدهای معوقه بود . کارگری که چند ماه ، و گاه تا یکی دو سال است که دستمزدش را دریافت نکرده ، و ازسوی دیگر هرآن در معرض اخراج قراردارد ، بطور طبیعی برای دریافت دستمزد معوقه اش مبارزه می کند . از همین روست که در تمام مدت سال ۷۸ و همچنین در ماههای پایانی آن که مسئله افزایش سالانه دستمزد مطرح می شود ، عمده توجه کارگران متوجه دریافت دستمزدهای معوقه بود. علاوه براین ، مقابله با اخراج ها ، و تعطیل کارخانه ها یکی دیگر از محورهای مبارزات کارگران است که با توجه به رکود حاکم بر صنایع وموسسات ، هر لحظه با آن دست به گریبانند . از این رو مطالبات کارگری درسال گذشته عمدتا پرداخت به موقع دستمزدها ، مقابله با تعطیل کارخانه ، توقف اخراج کارگران ، و مبارزه برای دریافت حق بیمه بیکاری بود.

ب_ نکته دوم گستردگی حرکات کارگری است. طی ماههای اخیر اعتصابات ومبارزات کارگری گسترش چشمگیری یافته ، به نحوی که از نیمه دوم دهه ۶۰ تا کنون بی سابقه بوده است . این مسئله هم در مورد تعدد کارخانه ها و موسساتی که در آنها اعتراض و اعتصاب صورت گرفته صادق است ، وهم بلحاظ تعداد کارگرانی که در هر حرکت اعتراضی شرکت می کنند ، قابل توجه است . رفته رفته جنبش کارگری به مرحله ای از رشد میرسد که بخش اعظم و گاه تمام کارگران یک کارخانه در مبارزات شرکت می کنند.

ج _ نکته بسیار مهم که بویژه در ماههای اخیر جلب توجه می کند ، تعمیق اشکال مبارزه کارگری است. اگر درسالهای گذشته واواخر سال پیش نیز تهیه طومار ، اعتراض به مدیران و یا وزارت کار جنبه مهم حرکات کارگری را تشکیل میداد ، اکنون اعتصاب برای رسیدن به خواست ها به امری عمومی تبدیل شده ، فراتر از آن ، کارگران برای طرح مطالبات خود به راحتی به

مبارزه جناحها اشکال خشن تری به خود می گیرد

استفاده میکنند. این دسته جات در همان حال که ابزارهای مادی سرکوب دولتی رادراختیار دارند ، در تلاش اند که با استفاده از امکاناتی که در اختیار دارند از جمله بهره برداری از شکافهای درونی جبهه موسوم به دوم خرداد ، مانور طرفداران رفسنجانی و نیز به کار گیری اهرم هائی نظیر شورلی نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت پیروزی طرفداران خاتمی را در انتخابات اخیر خنثی کنند وجلو سیاستهای آنها را بگیرند. اما چنین به نظر میرسد که تحت اوضاع سیاسی موجود ، این تلاش ها به بحران سیاسی عمیق تری بیانجامد. هرچه این بحران عمیق تر میشود و مستقل از جناح های هیئت حاکمه ومنازعات آنها ، توده مردم بیشتر به عرصه مبارزه سیاسی و سرنگونی رژیم روی می آورند ، تاکتیک های نظامی سرکوب بیش از پیش در دستور کار قرار خواهد گرفت. در همین چند روز گذشته علاوه بر مسئله ترور ، شاهد تشدید اقدامات سرکوب گرانه دستگاه امنیتی و قضائی رژیم بوده ایم. در پی افشای قتل های زنجیره ای و آگاهی عموم مردم از جنایات نفرت آور ماموران امنیتی رژیم ، وزارت اطلاعات ، دیگر به شیوه سابق روزنامه نگاران و نویسندگان را برای بازجوئی جلب نمی کرد ، اما اخیرا در چند مورد روزنامه نگاران را به این وزارتخانه فراخوانده و از آنها بازجوئی کرده است . دادگاه مطبوعات نیز اقدامات سرکوبگرانه خود را تشدید کرده است . همه این واقعیات نشان میدهند که با تشدید بحران سیاسی و تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه ، اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه مردم تشدید میگردد و در بطن این بحران ، منازعات درونی جناح های رژیم نیز اشکال خشن تری به خود خواهد گرفت. روی آوری دسته جات درونی هیئت حاکمه به ترور علیه یکدیگر ، نقطه آغازی برای اشکال خشن تر و قهرآمیز مبارزه جناح های هیئت حاکمه است.

از تشکل وانسجام لازم برخوردار نیست ، اما طبقه کارگر در همین مبارزات روزمره می آموزد ، ته مانده توهم نسبت به جریانات ضد کارگری و ارگان های وابسته به رژیم را از دست می دهد ، به نیرو و توان خویش واقف می شود و یک گام به سوی مبارزه متشکل و سازمانیافته نزدیک میشود. در چنین شرایطی بر کارگران آگاه و پیشرو جنبش کارگری است که از شرایط مساعدی که گسترش روحیه اعتراضی ، و مبارزات کارگران پدید آورده است ، برای آگاهی و تشکل کارگران بهره جویند ، مبارزه کارگران کارخانه های مختلف ، ومبارزه کارگران شاغل و بیکاران را به یکدیگر پیوند زنند و تلاش کنند تا طبقه کارگر به صورت یک طبقه متشکل و متحد رودروی طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داران قرار گیرد.

خیابان می آیند ، به تظاهرات در مقابل نهادها و ارگانهای دولتی دست می زنند ، تجمع و راه پیمائی میکنند ، جاده را می بندند و مدیران را گروگان میگیرند تا پاسخ در خواست هایشان را بگیرند . در ماه های اخیر کارگران نساجی بارش در دیمه و کارگران شرکت آزرگاه در اسفند برای آنکه مسئولان را وادار کنند به خواسته های شان پاسخ دهند ، مدیران و هیئت مدیره کارخانه را گروگان گرفته اند.

بستن جاده ، قطع عبور و مرور اتومبیل ها وجلب توجه رهگذران به خواست ها و مطالبات خود شکل دیگری است که اخیرا در مبارزات کارگری به کار گرفته میشود. از جمله کارگران شرکت گنجه در ۱۰ کیلو متری رود بار در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها ، مقابل درب کارخانه تجمع نمودند . سپس به مدت ۱/۵ ساعت در وسط جاده نشستند وبه این وسیله جاده رشت _ قزوین را مسدود کردند . سرانجام اعضای شورلی تامین استان در جمع کارگران حاضر شدند و به آنها وعده دادند به مسائل شان رسیدگی کنند ، و به این ترتیب کارگران به حرکت اعتراضی خود پایان دادند.

نمونه دیگر بستن جاده قدیم کرج توسط کارگران کفش ملی است که در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها جاده را از غرب به شرق بستند و مانع حرکت خود روها شدند. کارگران خزرخز تنکابن نیز بارها جاده تنکابن _ چالوس را مسدود کرده اند و خواستار رسیدگی به مطالباتشان شده اند. این کارگران پس از اینکه چندین بار وعده و وعید مسئولان مبنی بر رسیدگی به خواست های کارگران ، توخالی از آب در آمد ، از خروج محموله های صادراتی به ایتالیا جلوگیری کردند . وچندی بعد خواهان به دست گرفتن کنترل کارخانه شدند.

چهارمین نمونه کارگران ملبیران هستند که در اعتراض به عدم اجرای تعهدات مدیران کارخانه مبنی بر پرداخت دستمزدهایشان تا کنون ۲ بار جاده مخصوص کرج را مسدود کرده اند . آنها دو سال است که دستمزد خود را دریافت نکرده اند و علیرغم چندین مورد تظاهرات ، اعتراض و بستن جاده ، تنها موفق شده اند دستمزد ۴ ماه خود را دریافت کنند . آخرین بار در اواخر اسفند ماه کارگران جاده راچندین ساعت بسته و در کنترل خود داشتند.

همچنین گسترش تظاهرات کارگران کارخانه های مختلف مقابل اداره کار ، سازمان تامین اجتماعی ، استانداری ، فرمانداری و سایر نهاد های دولتی نیز نشان دیگری از این امر است که کارگران در اثر فشار های سرمایه داران اشکال بالاتری از مبارزه را به کار می گیرند تا به مطالبات خود دست یابند.

گرچه مبارزات و اعتراضات کارگری علیرغم گسترش سطحی وعمقی به نسبت سالهای قبل ، هنوز بر سرمطالبات صنفی است ، هنوز غالبا در چهارچوب کارخانه ای محدود است وهنوز



مستحکم باد اتحاد کارگران سراسر جهان

زنان و مردان کارگر!

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر فرارسیده است. در این روز ارتش بین‌المللی کارگران در سراسر جهان همبستگی و اتحاد خود را در برابر جهان سرمایه‌داری به نمایش می‌گذارد. در اول ماه مه دنیای کار یک بار دیگر به سرمایه‌داران سراسر جهان اعلام می‌دارد که تا برانداختن نظام طبقاتی سرمایه‌داری و برچیدن هرگونه ستم و استثمار از پای نخواهد نشست.

طبقه کارگر ایران نیز که گردانی از ارتش جهانی کاراست، در اول ماه مه با راهپیمائی، تظاهرات و سازماندهی اقدامات اعتراضی دیگر، قدرت متحد خود را علیه بورژوازی به نمایش می‌گذارد و همبستگی خود را با زنان و مردان کارگر سراسر جهان نشان می‌دهد. اعتلاء و گسترش مبارزات طبقه کارگر ایران در یک سال گذشته، که حاکی از بیداری، آگاهی و اتحاد روز افزون کارگران ایران است، نوید بخش مشارکت وسیع تر کارگران در مراسم اول ماه مه است. در سالی که گذشت، کارگران برای تحقق مطالبات خود در صدها مورد دست به اعتصاب، راهپیمائی و تظاهرات، تجمع و تحصن زدند و در برابر اقدامات ضد کارگری سرمایه‌داران و دولت آنها قهرمانانه ایستادند. این مبارزات در شرایطی انجام گرفت که رژیم ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی هرگونه اعتصاب، تجمع و راهپیمائی را ممنوع و غیر قانونی می‌داند. این بی‌اعتنائی طبقه کارگر به مقررات ارتجاعی رژیم و درهم شکستن محدوده‌های قانونی آن، نشانی از این واقعیت است که طبقه کارگر ایران دیگر نمی‌خواهد بی‌تحمیل ناپذیر نظم موجود را تحمل کند. این رشد و اعتلاء مبارزه کارگران در شرایطی انجام می‌گیرد که رژیم جمهوری اسلامی با بحران و بن بست روبروست و مبارزات توده‌های مردم برای برانداختن این رژیم ارتجاعی هرروز وسعت بیشتری به خود می‌گیرد.

رفقای کارگر!

لحظات سرنوشت ساز نزدیکتر می‌شوند. بحران سیاسی موجود عمیق تر و سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی قطعی تر می‌گردد. در چنین اوضاعی مراسم اول ماه مه را به عرصه قدرت نمائی کارگران علیه سرمایه‌داران و دولت آنها تبدیل کنیم. صف مستقل خود را تشکیل دهیم، شعارهای مستقل خود را مطرح کنیم، و به همه مترجمین نشان دهیم که طبقه کارگر از هم اکنون در یک صف مستقل قرار گرفته، هیچگونه اعتمادی به جریان‌های غیر کارگری نخواهد داشت و با حفظ استقلال طبقاتی خود در انقلابی که در آستانه وقوع است، شرکت خواهد کرد.

کارگران مبارز ایران!

شعارهای اول ماه مه نیز باید متمایز از سالهای گذشته باشند. مردم ایران برای کسب آزادیهای سیاسی به مبارزه‌ای رو در رو با رژیم برخاسته‌اند. طبقه کارگر که پیگیرترین مدافع آزادی است، مطالبه آزادیهای سیاسی را در رأس مطالبات خود قرار خواهد داد. رژیم جمهوری اسلامی کارگران را از حق تشکل و اعتصاب محروم کرده است. کارگران در اول ماه مه مطالبه حق تشکل و اعتصاب را مطرح می‌کنند. دستمزد کارگران بسیار نازل است و کفاف حداقل معیشت آنها را نمی‌دهد، کارگران باید شعار افزایش دستمزد را مطرح کنند به نحوی که تأمین کننده حداقل معیشت یک خانواده ۵ نفره کارگری باشد. سرمایه‌داران با معافیت کارگاهانی که ۵ کارگر و کمتر دارند از شمول قانون کار، ابتدائی ترین حق و حقوق کارگران را لگد مال کرده است، کارگران در اول ماه مه اعتراض خود را به این اقدامات ارتجاعی ابراز می‌دارند.

رفقای کارگر!

مراسم اول ماه مه را با شکوه هرچه تمام تر برگزار کنیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی

پیروز باد طبقه کارگر

مستحکم باد همبستگی بین‌المللی کارگران سراسر جهان

زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

اردیبهشت ماه ۱۳۷۹

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

تلاش وحدت‌طلبانه چپ انقلابی

زحمتکش، دفاع از انقلاب و مداخله فعال در مبارزه طبقاتی برای سرنگونی نظم موجود، برپراکندگی موجود غلبه کنند و مبارزه متحد و متشکلی را سازمان دهند. درعین حال این استقبال از ایده بلوک چپ انقلابی، بیانگر این واقعیت نیز هست که ایجاد بلوک چپ انقلابی حول محور سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی در ایران، با وظائف فوری جنبش انقلابی توده‌ای، چشم انداز تحول اوضاع سیاسی موجود و وضعیت کنونی چپ انطباق دارد. علاوه بر این، نکته مهم دیگر در این است که برخلاف تلاش‌های گذشته چپ، بلوک چپ انقلابی از هم اکنون چشم انداز روشن و بدون ابهامی را تصویر می‌کند. از هم اکنون مشخص است که بلوک چپ چگونه اتحادی است، هدف آن چیست و برنامه عمل آن کلام است؟

اگرچه آخرین تلاش گروهی از چپها به منظور وحدت نیروهای چپ که با شکست روبرو گردید، نظری بیافکنیم، این واقعیت روشن تر می‌شود.

چرا چپ کارگری که چند سال پیش تشکیل گردید، با شکست روبرو شد؟ به این علت که از همان آغاز معلوم نبود چگونه اتحادی و میان چه کسانی است؟ هدف و برنامه آن نامشخص بود و مهم تر این که انطباقی با شرایط جنبش چپ و اختلافات و پراکندگی‌های آن نداشت. می‌گفتند که اتحاد چپ کارگری یک اتحاد حزبی نیست. در واقعیت هم نمیتوانست باشد، چرا که مجموعه‌ای از عناصر ناهمگون، آنهم بدون ارتباط با جنبش طبقاتی کارگران و بدون برنامه مدون و تاکتیک‌های اساسی، نمی‌توانستند وحدت حزبی داشته باشند و حزب طبقاتی کارگران را تشکیل دهند.

می‌گفتند این اتحاد، یک جبهه کارگری هم نیست. این هم درست بود. جبهه کارگری نمی‌تواند در غیاب کارگران و مبارزه آنها شکل بگیرد. پس اگر این اتحاد نه حزبی بود و نه جبهه‌ای، پس چه بود؟

چپ کارگری پاسخی به این سؤال نداشت. ادعا می‌کردند که این اتحاد، نوع جدیدی از وحدت است که تا کنون در دنیا نمونه نداشته است. این البته پاسخ سؤال نبود، بلکه بیانگر این واقعیت بود که نیروهای چپ می‌خواستند چپ کارگری را تشکیل دهند، نمی‌دانستند در پی ایجاد چگونه اتحادی هستند. از همین نقطه نیز شکست چپ کارگری آشکار بود. چپ کارگری وقتی که می‌خواست تشکیل شود، یک برنامه عمل مشخص، صریح و روشن نداشت. یک اعتقاد کلی به سوسیالیسم مبنای وحدت قرار گرفته بود. اماروشن است که ابراز اعتقاد کلی به سوسیالیسم نمی‌تواند مبنای وحدت قرار گیرد، چرا که حتی سوسیال

دمکراتها نیز خود را طرفدار سوسیالیسم می‌دانند. بنا بر این، تازه پس از تشکیل چپ کارگری به این فکر افتادند که بیان مشخصی به این سوسیالیسم بدهند. اما همین اقدام کافی بود تا به تشدید اختلافات و از هم گسیختگی بیانجامد. این وضعیت از قبل نیز قابل پیش بینی بود. کسی که به دیکتاتوری پرولتاریا معتقد بود، نمی‌توانست با کسی که آنرا نفی میکند، وحدت داشته باشد. کسی که سوسیالیسم را با الغاء مالکیت خصوصی مرتبط می‌دانست، نمیتوانست با کسانی که سوسیالیسم شان بازاری است، وحدت داشته باشد. از این روست که هرگام در راه تدوین یک پلاتفرم به فروپاشی بیشتر چپ کارگری انجامید. بنابر همین دلایل، چپ کارگری هرگز نتوانست به یک تشکیلات مبارزه و عمل تبدیل شود و در مبارزه طبقاتی نقشی ایفا نماید.

حالا درست برعکس، از همین امروز روشن است که بلوک چپ انقلابی چیست و چگونه اتحادی است؟

بلوک چپ انقلابی یک وحدت حزبی نیست. بلوک چپ انقلابی یک جبهه کارگری نیست. بلوک چپ انقلابی، یک اتحاد عمل پایدار از میان نیروهای است که برای تحقق یک هدف معین و مشخص، مبارزه مشترکی را تارسیدن به این هدف پیش می‌برند. شکل تشکیلاتی آن نیز از این نوع خاص اتحاد تبعیت میکند. این هدف معین و مشخص، صریح و روشن کدام است؟ سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی. اگر صحبت از اتحاد نیروهای چپ و کمونیست است، اگر صحبت از ضرورت انجام تحولات به شیوه‌ای رادیکال و انقلابی است و اگر این تحولات انقلابی و رادیکال مستلزم ابتکار عمل توده هاست. پس بدیهی است که نخستین شرط اتحاد، مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. اما نا گفته روشن است که این معیار هنوز چپ انقلابی را از جریانات بورژوائی متمایز نمی‌سازد. میدانیم که هم‌اکنون برخی از جریانات بورژوائی نیز برای سرنگونی جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند یا لاقلاً شعار سرنگونی را می‌دهند. آن چیزی که چپ را متمایز می‌سازد، قدرت دولتی جایگزین است. این قدرت دولتی می‌باید تضمینی بر اعمال حاکمیت مستقیم توده‌ای و حاکم شدن کارگران و زحمتکشان برسروشت خویش باشد. از این رو نمیتواند از نوع دولت‌های بورژوائی، از جمله شکل پارلمانی آن باشد. تجربه پیدایش شوراهای در انقلاب گذشته نشان داد که این قدرت دولتی، شورائی است. بنابر این اگر چپ، حقیقتاً انقلابی است و برای استقرار قدرت کارگران و زحمتکشان مبارزه میکند، اگر چپ خواستار تحقق فوری و رادیکال مطالبات توده مردم

است و اگر اهداف خود را در چارچوب نظم موجود محدود نمی‌کند، لاجرم باید قدرت شورائی را بعنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی بپذیرد. اینجاست آن خط مرزی که چپ انقلابی را از تمام جریانات بورژوائی، لیبرال و رفرمیست، اصلاح طلب و استحاله چی، به اصطلاح چپ‌هایی که گوشه چشمی به جناح‌های هیئت حاکمه دارند و تمام کسانی که مدافع و مبلغ پارلمانتاریسم بورژوائی و مجلس موسسان هستند، متمایز می‌سازد. به این دلایل است که سازمان ما شرط اتحاد برای تشکیل بلوک چپ انقلابی راسرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی قرار داده است. در همین جا باید اضافه کنیم که منظور از حکومت شورائی، این نیست که این واژه در برنامه عمل بلوک چپ قرار بگیرد.

پلاتفرم جای‌شعاردادن نیست. در پلاتفرم همه چیز باید مشخص و صریح باشد. منظور از حکومت شورائی این است که در پلاتفرم یک بلوک چپ، مختصات یک دولت شورائی مطرح گردند. یعنی درسروحه این پلاتفرم باید انحلال و برپید شدن تمام دستگاه بوروکراتیک - نظامی خواسته شود. باید تسلیح عمومی خلق خواسته شود. باید الغاء هرگونه سیستم انتصابی و حاکم شدن اصلانتخابی و فراقوانی مقامات و نمایندگان مردم خواسته شود. باید گفته شود که ما خواهان اعمال حاکمیت مستقیم توده‌ای از طریق شوراهای هستیم. باید تاکید شود که شوراهای ارگانه‌ای مقننه و اجرائی اند. باید گفته شود که مقامات دولتی حقوقی بالاتر از متوسط دستمزد یک کارگر ماهر دریافت نخواهند کرد. و بالاخره باید تصریح شود که عالی‌ترین ارگان تصمیم‌گیری‌کننده سراسری شوراهای نمایندگان خواهد بود. این است معنای حکومت شورائی و بیان مشخص آن در یک پلاتفرم. این شرط اتحاد، در همان حال که چپ انقلابی را از تمام جریانات بورژوائی و رفرمیست متمایز می‌سازد، نقطه مشترکی است که میتواند چپ انقلابی را متحد سازد. اختلافات درونی جنبش کمونیستی و چپ انقلابی را می‌شناسیم و میدانیم که این اختلافات عجالاً به سادگی حل نخواهد شد. کسانی معتقدند که از همین امروز می‌توان کمونیسم را در ایران برقرار کرد. کسانی هستند که شعار الغاء فوری مالکیت خصوصی را وظیفه لحظه کنونی می‌دانند و کسانی هستند که وظیفه فوری لحظه کنونی را اجرای مطالبات انتقالی و دمکراتیک برای گذار به سوسیالیسم می‌دانند. همه این افراد، گروهها و سازمانها اگر در ادعای خود صادق باشند، برغم این اختلافات در این نقطه مشترک‌اند که باید در ایران یک دولت شورائی برقرار گردد. اینجاست آن ایستگاه مشترکی

در صفحه ۶

زنده باد سوسیالیسم



- کنفرانس ششم سازمان ما تصویب نمود که یک ستون در نشریه کار به ابراز نظرات صداfeین سوسیالیسم و حکومت شورائی اختصاص یابد.
- مسائل مطرح شده در این ستون نظر شخصی نویسنده محسوب می گردد.
- هر مقاله ای که برای درج در این ستون ارسال می گردد حداکثر می تواند حدود ۲۰۰۰ کلمه با دو صفحه نشریه کار باشد.

تکرار تناقضات پیشین

شیوه ای بورژوائی با حقوق های بالا به کار و دارد . . . در همین حال مدیریت تک نفره نیز معمول گردید و انحرافات بوروکراتیک تقویت شد. این تصمیم که تنها به عرصه اقتصادی محدود نشد و به عرصه سیاسی نیز بسط یافت، گام دیگری در تضعیف دیکتاتوری پرولتاریا و رشد بوروکراتیسم بود. در عرصه اقتصادی، معمول شدن مدیریت تک نفره، به معنای محدود شدن ابتکار عمل توده ای کارگری و کنار زده شدن کمیته های کارخانه به عنوان ارگانهای جمعی کارگری در کشور و اداره واقعی امر تولید بود. دولت کارگری شوروی، در جریان جنگ داخلی و تجاوز نظامی قدرتهای امپریالیست، ناگزیر شد آزادیهای سیاسی را نیز محدود کند . . . با پایان گرفتن جنگ داخلی، از هم گسیختگی اقتصادی، قحطی و گرسنگی میلیونها انسان، دیگر امکان ادامه کمونیسم جنگی وجود نداشت، دولت پرولتری برای اینکه بتواند بر بحران گسترده غلبه کند و موجودیت خود را حفظ نماید، چاره ای جز این ندید که سیاست اقتصادی جدید را در دستور کار خود قرار دهد، اما این سیاست، یک عقب نشینی جدی تر نسبت به عقب نشینی های گذشته بود . . . با آغاز چرخش بزرگ به نپ پایان داده شد، نپ مان ها و کولاکها سرکوب شدند، تمام وسائل تولید و توزیع به تملک جامعه درآمد، تولید و توزیع به حساب یک نقشه سراسری سازمان داده شد. کارموظ همگانی مجددا معمول گردید، نقش قانون ارزش و تولید کالائی به حد بسیار نازلی در اقتصاد رسید. معهذ شکل سازماندهی اقتصادی، متأثر از اوضاع سیاسی و انحرافات که در این عرصه شکل گرفته بود، شکلی آمرانه و بوروکراتیک بخود گرفت . . .

بیش از پیش نقش شوراها و مداخله آنها در اداره امور کشور محدود گردید. اداره امور اساسا در دست حزب کمونیست، دفتر سیاسی دبیر کل حزب قرار گرفت . . . آزادی های سیاسی بیش از پیش محدود گردید و خود کامگی چنان رواج یافت که حتا حزب کمونیست نیز مشمول سرکوبها و تصفیه وسیع شد. " (تاکیدات از من است) رفقا، علت این همه تناقض گوئی چیست؟ در شرایطی که در همان ده الی بیست سال اولیه پس از انقلاب مطابق تحلیل شما، دولتی بر فراز کارگران و اقشار فرودست قرار داشته، در شرایطی که نقش شوراها فقط اجرای اوامر رهبران حزبی بوده، چگونه میتوان از سوسیالیسم و دمکراسی پرولتری دفاع کرد؟ چگونه میتوان ادعا کرد که چون نیروی عمده و فعال شوراها را بخش پیشرو طبقه کارگر و اعضای بلشویک تشکیل می دادند، شوراها بوروکراتیزه شده و تمایل اعضای شوراها به پارلمان نشینی تقویت گردید؟ مگر در تحلیل مارکسیستی حزب بدون شوراها، وجود اجتماعی و طبقاتی دیگری هم دارد؟ مگر در روایت مارکسیستی مبارزه طبقاتی برای محو تمامیت سرمایه داری ظرف سازمانیابی دیگری جز شوراها بعنوان بستر بلاواسطه، خلاق و گسترده طبقه کارگر هم وجود دارد؟ مگر حزب کمونیست راستین نیروی سازمانده و هدایت کننده جنبش طبقاتی کارگران و به تبع آن شوراها ی کارگری در روایت مارکسیستی آن نیست؟ پس چگونه می توان با پناه گرفتن در سنگر عقب ماندگی اجتماعی در کشوری که کارگران و سایر اقشار فرودست آن بزرگترین انقلاب تاریخ بشریت را رقم زده و دنیا را به لرزه در آورده اند ادعا نمود که چون بخش پیشرو طبقه کارگر و اعضای حزب بلشویک که به روایت شما حزبی کمونیستی بود نیروی عمده شوراها را تشکیل میدادند، بوروکراتیسم رشد کرده و رهبری حزب جای شوراها را گرفته است؟ یا اگر بجای بخش پیشرو طبقه کارگر، بخشهای دیگر این طبقه خرده بورژواهایی که از سطح آگاهی و فرهنگ پائین تری برخوردار بودند، مشارکت

از مدتها پیش تصمیم گرفته بودم که در رابطه با برخی از مواضع سازمان فدائیان (اقلیت)، پرسش ها و ابهامات خود را مطرح کنم. انتشار گزارش برگزاری کنفرانس هفتم سازمان در نشریه کار، شماره ۳۲۹ بهانه ای شد تا یکی از موارد مذکور، یعنی تحلیل سازمان از روند فروپاشی اتحاد شوروی را تقریر کنم. امیدوارم ضمن درج این نوشته در بخش ستون آزاد، در فرصت مناسب به ابهامات و پرسش های مطرح شده نیز پاسخ داده شود.

بگونه ای که در گزارش فوق آمده، در جریان کنفرانس، مباحثات زیادی پیرامون طرح پیشنهادهای قطعنامه به شکست انقلاب پرولتری در شوروی صورت گرفته است. برخی از رفقای مخالف قطعنامه معتقد بودند که بحث کافی در این مورد صورت نگرفته، برخی دیگر با اشاره به اینکه تاکید بر عقب ماندگی بعنوان علت العلل شکست به منزله صدور حکم قبل از تحلیل مسئله بوده با آن مخالفت کردند، گروهی از رفقا بر موضع گیری صریح تر در رابطه با فقدان تعدد احزاب و تصفیه های استالین تاکید داشتند و گروهی نیز با اشاره به عدم پیشرفت انقلاب فرهنگی، خواستار افزودن آن به قطعنامه بودند. سرانجام اینکه با تشکیل کمیسیونی در این رابطه و گنجاندن شدن برخی پیشنهادات، قطعنامه جدیدی بارای اکثریت نسبی حاضران در کنفرانس به تصویب رسیده که متن آن در همان شماره نشریه درج گردیده است.

بررسی نقاط اختلاف نظر و پیشنهادات رفقای حاضر در کنفرانس پیرامون قطعنامه فوق نشان میدهد که کلیه رفقای مخالف، برغم تمامی اصرارشان، با تحلیل تاکتونی سازمان فدائیان (اقلیت) در رابطه با روند فروپاشی اتحاد شوروی، اختلاف نظر اساسی ندارند و همانگونه که پیش بینی آن از قبل هم ممکن بود، قطعنامه نهائی نیز حرف تازه ای برای گفتن نداشت، زیرا با افزودن چند نکته فرعی، صورت مسئله تغییر نمیابد.

به عبارت دیگر قطعنامه جدید نیز نتوانسته گریبان خود را از تناقضات و اشکالات مواضع قبلی سازمان در این رابطه، خلاص کند. قطعنامه جدید از همان سطور آغازین خود با دو تناقض اساسی آغشته گردیده، نخست اینکه با لاپوشانی این اصل کمونیستی که "هر حزب کمونیست راستین، برای براندازی دولت بورژوائی و محو هر دولتی بالای سرکارگران و توده های فرو دست فعالیت کرده و هدف نهائی آن استقرار حاکمیت بلاواسطه کارگران است." حکومت نخبگان حزبی را که مدعی کمونیسم بودند بعنوان حکومت بخشی از طبقه کارگر قلمداد کرده و برغم اعتراف به سمبولیست بودن شوراها از اواسط دهه ۲۰، تاریخ فروپاشی دمکراسی پرولتری را تا اواسط دهه ۸۰ به تعویق می اندازد، دیگر اینکه برای خودداری از ورود به بحث های ریشه دارتر، طبقه کارگر شوروی را که بر بزرگترین و رادیکال ترین تاریخ بشریت مهر خود را کوبیده، از همان آغاز بعنوان طبقه ای فاقد برنامه مشخص و استقلال طبقاتی فرض کرده و بطور مکرر تاکید میکند که طبقه کارگر شوروی بر اثر عوامل و فشارهای بیرونی مجبور به اتخاذ سیاستهای انحرافی شده است. بعنوان مثال: " معضلی که دولت پرولتری شوروی با آن روبه رو گردید، عدم مشارکت توده های وسیع کارگر و زحمتکش در شوراها و اداره امور کشور بود. علت این امر نیز عقب ماندگی جامعه، تفوق خرده بورژوازی در کشوری که حدود ۸۰٪ آنرا دهقانان تشکیل می دادند و پائین بودن سطح آگاهی و فرهنگ بود. نتیجتا نیروی اصلی و فعال شوراها را عمدتا بخش پیشرو طبقه کارگر و اعضای حزب بلشویک تشکیل می دادند. این ضعف از یکسو خطر بوروکراتیزه شدن شوراها و تمایل اعضای آن به پارلمان نشینی را تشدید میکرد و از سوسیالیسم دیگر خطر درآمیزی حزب و دولت و فرار گرفتن حزب به جای طبقه را افزایش می داد. . . . تصمیماتی که رهبری حزب برای اداره امور کشور اتخاذ میکرد، توسط شورائی کمیسرهایی خلق به مرحله اجرا درمی آمد . . . دولت پرولتری برای اداره امور کشور ناگزیر شد، متخصصین بورژوا را به

دوشهر شمالی چین متمرکزند، با ایجاد راه بندان، اعتراض خود را به نمایش گذاردند. در دومین روز این حرکت پلیس با حمله به اعتصابیون، چند تن از معدنچیان را مجروح کرد.

افزایش بیکاری در برزیل

طبق گزارش منابع رسمی در برزیل، نرخ بیکاری در این کشور طی یک ماه گذشته ۲ درصد افزایش یافته است. بیکاری در برزیل در دسامبر سال گذشته ۶/۳ درصد، در ژانویه سال جاری ۷/۶ درصد، در ماه فوریه به ۸/۲ درصد افزایش یافته است. به نرخ بیکاری در شهرهای بزرگ ظرف یک ماه گذشته ۱۴ درصد افزوده شده است.

اعتصاب کارگران کارخانه گاز در هلند

اعتصاب کارگران ۲ کارخانه گاز در ماستریخت و اسخیدام هلند وارد دومین هفته خود شد. اعتصابیون در اعتراض به عدم تمدید قرار داد دائم از اواسط مارس سال جاری دست از کار کشیده اند.

اعتصاب کارگران مهاجر در اسپانیا

در اعتراض به حمله راسیست ها به کارگران مهاجر در شهر Eleydo واقع در جنوب اسپانیا که به زخمی شدن دهها کارگر انجامید، بیش از ۱۰ هزار کارگر مهاجر در ماه مارس یک روز دست از کار کشیدند. اتحادیه های کارگری و نیروها و سازمانهای مترقی و چپ از اعضا خود خواسته بودند تا همزمان دست از کار بکشند و همبستگی خود را با کارگران مهاجر به نمایش بگذارند.



بزرگترین اعتصاب کارگری در انگلستان طی ۲۰ سال گذشته

بیش از ۸۰ هزار تن از کارگران کارخانه جات اتومبیل سازی در اعتراض به فروش کارخانه Rover به کارخانه اتومبیل سازی BMW که به اخراج قریب به ۵۰ هزار کارگر خواهد انجامید، روز اول آوریل دست به راهپیمائی زدند. بنا بر گزارش اتحادیه های کارگری در نخستین مرحله، ۹۰۰۰ کارگر در کارخانه "لانگ بریج" (Langbridge) از کار اخراج خواهند شد. این بزرگترین حرکت کارگری در انگلیس ظرف دو دهه قبل است.

اعتصاب کارگران ای.گ. متال در شرق آلمان

هزاران تن از فلز کاران در شرق آلمان با خواست افزایش دستمزد به میزان ۵/۲ درصد طی دو سال آینده، روز ۴ آوریل دست از کار کشیدند. مذاکره اتحادیه فلزکاران (ای.گ. متال) بر سر افزایش دستمزد به میزانی است که در غرب آلمان مورد توافق واقع شده است.

اعتصاب معدنچیان بیکار در چین

در اواخر سال جاری ۲۰ هزار معدنچی که سالهاست بیکارند، در اعتراض به بیکاری طولانی مدت، دست به تظاهرات زدند. این معدنچیان که در

تلاش وحدت طلبانه چپ انقلابی

که همه از آن می گذرند. از اینرو می توانند لاقلاً تا همین جا مشترکاً تلاش و مبارزه کنند و هنگامی که حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان در ایران مستقر گردد، تردیدی نیست که واقعیت های موجود بسیاری از اختلافات را حل خواهد کرد. در آنجا می تواند اتحادهای عالی تری شکل بگیرند و برخی نیز مسیر جدا و مستقل خود را در پیش گیرند.

در هر حال سرنوشتی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورائی نقطه مشترک چپ خواهد بود. کسی که این معیار را می پذیرد عضو بلوک چپ خواهد بود. اما روشن است که اگر بلوک چپ بخواهد نقش فعال و مداخله گری در جنبش داشته باشد، باید مطالبات وسیع ترین بخش توده مردم را در پلاتفرم خود بیاورد. از جمله در پلاتفرم بلوک چپ انقلابی باید یک بند به آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم، جدائی دین از دولت، حق تعیین سرنوشت برای ملت های تحت ستم و مطالباتی از این دست اختصاص یابد. یک بند به مطالبات زنان از جمله حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان اختصاص یابد. بند دیگری به مطالبات فوری و مشخص کارگران، از جمله کنترل کارگری بر تولید، حق اعتصاب و تشکل، افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و دیگر مطالبات مشخص کارگری اختصاص یابد. مطالبات دهقانان نیز بند دیگری از این پلاتفرم خواهد بود. مطالبات عمومی اجتماعی، رفاهی، بهداشتی و درمانی و آموزشی، نظیر برقراری سیستم تامین اجتماعی، بهداشت و درمان رایگان، آموزش رایگان اجباری، تامین مسکن نیز می تواند بند دیگری از این پلاتفرم باشد و سرانجام یک بند به ملی کردن موسسات صنعتی بزرگ، ملی کردن بانک ها، ملی کردن وسائل ارتباطی و حمل و نقل بزرگ، ملی کردن تجارت خارجی، ملی کردن زمین، لغو مالیات غیر مستقیم و برقراری مالیات تصاعدی بر ثروت، درآمد وارث و غیره، اختصاص می یابد.

بدیهی است که این مواد پلاتفرم موکول به توافق عمومی است، می تواند مطالبات دیگری مطرح گردد و بر سر این مطالبات در بلوک چپ اختلاف نظر وجود داشته باشد، اما در حال پلاتفرم بلوک چپ انقلابی باید حاوی مطالبات مشخص توده مردم باشد و از هم اکنون ضروری است، همه کسانی که برای ایجاد بلوک چپ انقلابی تلاش میکنند، نظر روشن و مشخصی در مورد این مطالبات داشته باشند و حتی پلاتفرم پیشنهادی خود را تنظیم و ارائه دهند تا سریعتر بتوان برای قطعیت بخشیدن به تشکیل بلوک چپ انقلابی اقدام نمود.

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان در یک ماه گذشته

در تاریخ ۸ اسفند ماه اطلاعیه ای با عنوان «اقدام ضد کارگری رژیم بدون جواب نخواهد ماند» منتشر گردید که در آن اقدام ضد کارگری حکومت اسلامی در مورد معافیت کارگاهها و مشاغل دارای ۵ نفر کارگر از شمول کار بعنوان یک تعرض آشکار به حقوق و دست آوردهای کارگران ایران محکوم گردید. در بخشی از این اطلاعیه چنین آمده است «برطبق این مصوبه، کارگران از هرگونه حق و حقوقی محروم خواهند شد. با برافتادن ضوابط قانونی ناظر بر روابط کار و کارگر، کارفرمایان از این پس آزادند کارگران را همانند بردگان دوران باستان به کار وادار و استعمار کنند. هر زمان که اراده نمایند، می توانند کارگران را اخراج نمایند و دستمزد کارگر را نیز به میل و اراده خود تعیین کنند. برطبق همین مصوبه، کارگران از حق بیمه درمانی، بیکاری و بازنشستگی نیز محروم خواهند شد.»

در ۱۵ اسفند اطلاعیه ای در دفاع از مبارزه و مطالبات کارگران خزرخ انتشار یافت. در این اطلاعیه آمده است که کارگران خزرخ تنها این که چندین ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند، به عنوان اعتراض جاده چالوس تنها این را بستند، تاصدای اعتراض خود را به گوش همگان برسانند.



سخنرانی رفیق توکل در مراسم سالروز قیام و سیاهکل

با درود و تبریک به مناسبت ۱۹ بهمن سالروز سیاهکل

موضوع بحث من چشم انداز اوضاع سیاسی در ایران است. در چارچوب این بحث به وظائف کمونیستها و جنبش چپ نیز اشاره خواهم کرد که در واقع نتیجه گیری از بحث چشم انداز، در مورد وظائف جنبش چپ خواهد بود.

اگر بخواهیم در مورد چشم انداز اوضاع سیاسی صحبت کنیم، نخست باید ببینیم ویژگی مشخص کننده اوضاع سیاسی کنونی ایران چیست؟ این ویژگی را میتوان چنین خلاصه کرد: وجه مشخصه اوضاع سیاسی ایران در لحظه کنونی وجود یک بحران سیاسی است. تلاطمات سیاسی که اکنون مدتی است جامعه را فرا گرفته است، روی دادهای بی شمار در زندگی سیاسی و اجتماعی توده مردم، رشد روز افزون مبارزات، اعتدال مبارزه آشکار توده ای، روی آوری توده مردم به زندگی سیاسی پس از یک دوره آرامش سیاسی، اعتصابات، تظاهرات، راه پیمائی ها، تحصن ها و دیگر اشکال مبارزه کارگران و دانشجویان در چند سال بویژه در یک سال گذشته، شورش های تهیدستان شهری در چند سال گذشته، بخصوص در سال جاری و مبارزات زنان و جوانان در عرصه های مختلف، سردرگمی و از هم گسیختگی هیئت حاکمه، تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه به انتها درجه، به نحوی که منجر به وضعیت غیر عادی شده است. اینها هستند بارزترین علائم و نشانه های بحران سیاسی موجود. این بحران، امروزه مورد اذعان همگان است. همگان معترف هستند که یک بحران سیاسی در ایران وجود دارد. حتی جناح های هیئت حاکمه هم، واقعیت وجودی این بحران را می پذیرند. بنابراین اکنون مسئله این نیست که آیا بحران سیاسی وجود دارد یا خیر، بلکه مسئله این هست که خصلت این بحران چیست؟ آیا این بحران یک بحران سطحی و زود گذر است؟ آیا بحرانی است که در چارچوب قوانین و مقررات رژیم موجود حل خواهد شد؟ آیا بحرانی است که با تصویب قوانین جدید و لغو برخی قوانین گذشته یا حک و اصلاح نهادهای موسسات دولتی موجود حل خواهد شد؟ خلاصه کلام این که آیا این بحران، بحرانی است که در چارچوب نظم موجود حل خواهد شد؟ یعنی بحرانی قانونی است؟ یا بالعکس، این بحران، بحرانی سطحی و زود گذر نیست. بحرانی است که از اعماق جامعه برخاسته و از تضادهای لاینحل جامعه منشأ گرفته و از همین رو نه اصلاح قوانین موجود و نه اصلاح نهادهای موجود، بلکه درهم شکستن و جمع کردن این قوانین، این موسسات و این نظم موجود را می طلبد؟

به عبارت دیگر، بحث این است که آیا بحران موجود یک بحران قانونی است و در چارچوب حکومت موجود و نظم اقتصادی - اجتماعی موجود حل خواهد شد یا بالعکس بحرانی انقلابیست که متضمن برافکندن نظم سیاسی موجود و نظام اقتصادی - اجتماعی موجود است؟ اگر به این سؤال پاسخ دهیم، یعنی خصلت بحران، طبیعتاً چشم انداز اوضاع سیاسی هم روشن خواهد شد. از همین جا نیز وظائفی که در مقابل چپها و کمونیست ها قرار دارد مشخص میشود و از پاسخ به همین سؤال است که منازعه دو جریان در جامعه، منازعه بر سر فرم و انقلاب مشخص خواهد شد.

به نظر من، بحران موجود، در واقع ادامه بحرانی است که در گذشته شکل گرفت و به سرنگونی رژیم شاه انجامید. این بحران از یک رشته نیازهای اجتماعی و تضادهای لاینحل جامعه برخاسته بود و توده مردم بخاطر مطالبات مشخص دست به این انقلاب زدند. از اینرو اقدامی خود سرانه و بنایه اراده افراد جامعه نبود. مقتضیات عینی جامعه این حرکت انقلابی را ایجاب می کرد و توده مردم در جهت پاسخ گوئی به همین مقتضیات بپا خاستند. اما همانگونه که می دانیم این تضادها حل نشدند و بحران با سرکوب فرو نشانده شد. البته در مدتی کوتاه امکان پذیر هست که این تضادها، مطالبات و مبارزات مردم را سرکوب کرد. این

چیزی است که در دوران جمهوری اسلامی اتفاق افتاد. این که چرا این اتفاق افتاد، دلائلی داشت که در اینجا نمیتوان به آن پرداخت. جمهوری اسلامی نه تنها تضادی را حل نکرد بلکه با اقدامات ارتجاعی خود این تضادها را تشدید کرد. انقلاب میبایستی با حل تضاد زیربنای اقتصادی و رو بنای سیاسی، نظامی دمکراتیک را که خواست مردم و مبارزات آنها بود متحقق سازد، اما عملی نشد. مردم آزادی را میخواستند. زنان که یک برابری حقوقی محدود داشتند، خواهان برابری بیشتر، برابری کامل حقوقی بودند، این حداقل مطالبه فوری زنان بود. اما این مطالبات نه تنها متحقق نشدند بلکه با اقدامات سرکوبگرانه و ارتجاعی جمهوری اسلامی سرکوب شدند. بنابراین بدیهی است که با تشدید این تضادها، بحران دوباره می بایستی سر باز کند و پدیدار شود. اما کی؟ زمانی که شکست سیاستهای جمهوری اسلامی در همه عرصه ها آشکار گردید. با این شکست، جمهوری اسلامی به مردم نشان داد که نمی تواند در زمینه اقتصادی کاری انجام دهد. در عرصه سیاسی نیز به همین شکل. به جای آزادی سیاسی نیز سرکوب قرار گرفته بود. وقتی که این واقعیت یعنی شکست سیاستهای جمهوری اسلامی بر مردم روشن شد، از همانجا ما شاهد پیدایش مجدد بحران هستیم. نخستین علائم این بحران، شورش های هائی بود که قبل از به قدرت رسیدن خاتمی در یک رشته از شهرهای ایران به وقوع پیوست. بروز این بحران که با مبارزات مردم توأم بود، تأثیر خود را در درون هیئت حاکمه نیز برجای گذاشت. وقتی که شکست سیاستهای رژیم بر مردم روشن شد و جناح های هیئت حاکمه نیز دریافته اند که با سیاستهای گذشته نمی شود به قول خودشان مملکت را اداره کرد و موجودیت رژیم را حفظ نمود، سیاستهای گذشته زیر علامت سؤال قرار گرفت و سیاستهای دیگری در دستور کار قرار گرفت. اگر جناح خاتمی بر سر کار آمد، دقیقاً در چارچوب این فعل و انفعالات سیاسی و این تحولات سیاسی و این تحولات در جامعه بود. اما در دورانی که وی به قدرت رسیده ما با کدام واقعیت روبرو بودیم؟ دقیقاً همین واقعیت که بحران موجود، بحرانی نیست که در چارچوب نظم موجود حل شود. ما در همین دوران، بویژه در یک سال گذشته شاهد صدها مورد اعتصاب، راهپیمائی، تظاهرات، تحصن، بستن جاده ها، گروگانگیری مدیران و غیره و ذلک از سوی کارگران به خاطر مطالبات مشخص بوده ایم. این نشاندهنده رشد و اعتدال مبارزه مردم است. این واقعیت را می پذیریم که مبارزات کارگران تا این مقطع هنوز عمدتاً تدافعی است و در چارچوب مطالبات صنفی شان می باشد. اما در همین اواخر ما با یک واقعیت دیگر هم روبرو بوده ایم. این واقعیت که کارگران دیگر این بار بر سر دستمزد عقب افتاده یا بر سر مسئله اخراج، متوقف نشده بلکه خواهان افزایش دستمزد و بهبود شرایط معیشتی شان هستند. این را اخیراً ما در خوزستان دیدیم، در لرستان دیدیم، در تهران دیدیم. یک مسئله مهم تر از این هم پیش آمده که کارگران در برخی از کارخانه ها قبلاً که اخراج می شدند و یا کارخانه در شرف تعطیل بود، می رفتند وزارت کار، می رفتند فرمانداری، استانداری، جاهای مختلف تجمع می کردند و خواستار برگشتن به کار بودند ولی اکنون این کار را نمی کنند، بلکه می گویند اگر قرار هست کارخانه بسته شود ما خودمان حاضر هستیم، کارخانه را در اختیار بگیریم و منظورشان از این در اختیار گرفتن، کنترل کارگری است، که ما تازه ترین نمونه آنرا در کارخانه خزرخز دیدیم. این ها چه چیزی را نشان می دهند؟ این واقعیت را نشان می دهند که مبارزات کارگران، که طبیعتاً منطبق خاص خودش را دارد مثل حرکت دانشجویان نیست، مثل حرکت های شورشی تهیدستان هم نیست. با آن منطق خودش دارد میاید به جلو. این حرکت هنوز هم تدافعی هست اما این چشم انداز وجود دارد که اعتدال پیدا کند و روشن هست چرا باید اعتدال پیدا کند. چون این رژیم نه تنها نمیتواند مطالبات کارگران را حتا مطالبات فوری آنها را برآورده کند، بلکه با برنامه های اقتصادی که

اخیرا خاتمی در دستور کار قرارداد می خواهد پوست از کله نه فقط طبقه کارگر، بلکه کل توده مردم بکند. آنچه که رفسنجانی انجام نداد، اکنون او می خواهد در برنامه ۵ ساله سوم انجام بدهد و طبیعی است که در این شرایط، مبارزه مردم باید اعتلا پیدا بکند. همین طور ما در دانشگاه ها هم شاهد صدها و شاید هم موارد بیشتری از اعتراضات دانشجویی به اشکال مختلف بودیم و بارزترین نمونه اش را خود رفقا در تیرماه همه شاهدش بودند و این واقعیت را نشان داد که دانشجویان اساسا آن مطالباتشان در چارچوب نظم موجود قابل تحقق نیست و زمانی که به خیابان کشیده شوند علیه نظم موجود هستند. وقتی که خاتمی به قدرت رسید عمدتا تاکیدها این بود که این دانشجویان همه شان طرفدار خاتمی هستند، توده مردم طرفدار خاتمی هستند. ما روی این مسئله تاکید کردیم که به هیچ وجه یک چنین چیزی نیست. این یک انتخابی در شرایط خاص بین بد و بدتر بود و همان مردم در عمل نشان دادند و همان دانشجویانی که ادعا میشد طرفدار خاتمی هستند، وقتی که مبارزه شان از محدوده دانشگاه بیرون آمد دیدیم که رژیم را با چه وضعیتی، با چه بحران عظیمی روبرو کردند. البته خود جنبش دانشجویی نمی تواند کاری بکند، نمی تواند رژیم راسرنگون بکند، نمی تواند تهدیدی جدی برای رژیم باشد، اما این جنبش ها علائم یک چیز مشخص هستند. اینها علائم بحرانی هستند که این رژیم نمیتواند آنرا حل بکند. به دانشجویان چه می خواهد بدهد حتا در چارچوب مطالبات آزادی خواهانه شان. همین واقعیت را ما در جنبش تهیدستان شهری دیدیم. همین یک ماه پیش بود که ما با دو حرکت، یکی در خوزستان، یکی در اطراف تهران روبرو بودیم. وقتی این توده مردم، این توده تهیدست میاید به میدان مبارزه، می بینیم که دو چیز را هدف قرار می دهد. یکی آنچه که بوی دولتی ازش میاید و یکی هم بوی سرمایه. و به همین علت هست که بانک ها را مورد حمله قرار می دهند، به همین علت است که نهادهای دولتی را مورد حمله قرار میدهند. همین امروز، واقعیت امروز را ببینیم، امروز چه اتفاقی افتاد. ظاهرا اعتراض برسر تقلب در انتخابات بود ولی مردم کجاها را مورد حمله قرار دادند. در خوزستان همین امروز در دو شهر مردم حمله کردند به مراکز دولتی. اینها چه چیزی را نشان میدهند. نشاندهنده این واقعیت هستند که این بحران، بحرانی نیست که مثلا آقای خاتمی بتواند با درست کردن یک پایه طبقاتی وسیع تری برای رژیم، یا این که معاونین اسبق ساواک همان وزارت اطلاعات شان، افراد سابق اطلاعاتی، سپاه پاسداران، گروههای اطلاعاتی سپاه پاسداران تعدادی نشریه در بیابورد و اسمش راهم بگذارند آزادی به اصطلاح مطبوعات، حل شود. خیلی هم این لیبرالها و فرمیستها روی این مسئله تاکید می کنند. شما در نظر بگیرید این روزنامه ها را چه کسانی در می آورند، یا معاونین اسبق وزارت اطلاعات هستند یا گروههای اطلاعاتی اعزامی سپاه پاسداران هستند به جاهای مختلف، و یا افراد سابق سپاه پاسداران هستند و طبیعی است که مردم بهتر از ما که اینجا هستیم اینها را خوب می دانند و خوب می شناسند و به اینها اعتماد ندارند. بنابراین واقعیتی که در رابطه با جنبش توده های روبرو هستیم این است که مردم در این حد قانع نخواهند شد که جناح خاتمی یک سری امتیازات بسیار ناچیز به آنها بدهد. مثلا در مورد زنان بگویند که زنان روسری شان را یک مقداری بتوانند ببرند بالا. همین چیزی که بعضی از این عناصر واقعا بریده از جنبش وقتی یک بار به ایران میروند و برمیگردند، وقتی که می خواهند بگویند چی شده، چه اتفاقی افتاده، از جمله فاکتهایی که می خواهند اثبات کنند که اتفاقاتی در ایران افتاده در این زمینه، همین ها را تحویل ما می دهند یا تحویل مردم میدهند. بهر حال، رشد این مبارزات نشان می دهد که این بحران یک بحران معمولی نیست، جنبشی هم که به همراه این بحران راه افتاده، از علل عینی مشخصی ناشی شده و به خاطر مطالبات معینی دارد پا می گیرد و تمام اتفاقات این مدت هم این را نشان داده است. اما در عرصه دیگر هم مایبائیم مسئله را بررسی کنیم، یعنی در مورد خود هیئت حاکمه. در تمام این دورانی که خاتمی بر سر کار آمده، ما بطور مداوم و روزمره با تشدید تضادهای دورنی هیئت حاکمه روبرو بودیم. این تضادها از کجا ناشی می شوند. قبل از هر چیز از همین واقعیت بحران موجود، از این که این بحران به اینها اجازه نخواهد داد که

بتوانند مسائل خودشان را حل بکنند و بعد بخواهند با جنبش توده های مردم، با این بحران سیاسی موجود تسویه حساب بکنند. من اگر بخواهم به عنوان نمونه بگویم که چرا این هیئت حاکمه نمی تواند این بحران سیاسی را حل بکند، برمی گردم به وضعیتی که این دو جناح با آن روبرو هستند. قبل از این بحث، بطور ضمنی اشاره کنم، یک جناح از هیئت حاکم فاتحه اش خوانده است، یعنی الان بحثی که می توانیم بکنیم این است که آن جناح گذشته و آن وضعیت گذشته جمهوری اسلامی به نظر من دیگر دورانش تمام شده است یعنی بازگشتی به آن وجود نخواهد داشت. آنچه که وجود دارد، دعوا بین آن جناح به اصطلاح لیبرال - اصطلاحا به آنها میگوئیم لیبرال - و کلا کسانی است که در چارچوب برنامه های خاتمی، حرکت می کنند و کسانی که خواهان انقلاب هستند. جناح رقیب خاتمی، از نظر سیاستهای عمومی اش نیز این سیاستها بطور کلی با شکست روبرو شده اند، بازگشت این سیاستها امکان پذیر نیست. اما ما با یک واقعیت روبرو هستیم. این جناح قدرت های اصلی دستگاه دولتی را در اختیار دارد. این خودش یکی از عواملی هست که به آن امکان می دهد، در مقابل جناح دیگر و در مقابل مردم از این اهرمها استفاده بکند، امتیاز بگیرد و حتی سیاست های خودش را پیش ببرد. در مقابل، جناح دیگر، ما می دانیم کاری که می خواهد انجام دهد این است که پایه قدرت دولتی را بسط بدهد. یعنی در واقع می خواهد جناح های وسیع تری، گروههای وسیع تری از بورژوازی را در قدرت حاکمه سهیم بکند. این یکی از کارهایش است. به همین علت است که ما می بینیم که عمده بخش های بورژوازی ایران و بورژوازی بین المللی تماما پشت این را محکم گرفته اند. در همین جریان انتخابات همگی ما شاهد هستیم و دیدیم بمبارد مان تبلیغاتی بسیار شدیدی به نفع این جناح بود و در عرصه های دیگر هم شاهدش هستیم، از جمله کمک های اقتصادی و غیره و ذالک. علاوه بر این در جامعه ما اقتضای بالنسبه مرفه خرده بورژوازی هم از نظر صف بندی امروز در کنار جناح خاتمی قرار گرفته اند. به علاوه این جناح می خواهد یک سری امتیازات در عرصه های اجتماعی و سیاسی به توده مردم بدهد. این امتیازات البته بسیار ناچیز هستند و به هیچ وجه جوابگوی مطالبات مردم نیستند. بنابراین از نظر توازن قوای که در درون هیئت حاکمه وجود دارد، طبیعی است که موقعیت این جناح فراتر هست، بهتر است و روند تحول اوضاع هم این واقعیت را نشان می دهد که بهر حال مسئله ما در آینده با این جناح است. بحثی که اکنون در میان جریانات سیاسی ایران وجود دارد این است که بالاخره از این جناح های موجود کدام را باید افشال کرد و آیا باید از آنها حمایت کرد یا نه؟ واقعیت این است که امروز مردم ایران هیچ توهمی و هیچ اعتنایی به جناح خامنه ای و گروه های طرفدار آن ندارند. امرز یکی از موانع اصلی بر سر راه حرکت مردم، یا بر سر راه انقلاب مردم همین جناح طرفداران خاتمی هستند که از پشتیبانی و حمایت بورژوازی در عرصه داخلی و بین المللی هم برخوردار هستند. اما این جناح هم در واقعیت امر نمی تواند سیاست های خودش را پیش ببرد. چرا نمی تواند پیش ببرد، علت های مختلفی دارد. به این علت نمی تواند سیاست خود را پیش ببرد که توده مردم یک سری مطالبات دارند که این مطالبات بسیار فراتر از آن چیزی است که اینها می خواهند. به این علت نمی تواند سیاست خودش را پیش ببرد که توازن درونی هیئت حاکمه این اجازه را به آن نمی دهد. اشاره کردم که هر چند این جناح از نظر نیروی به اصطلاح داخلی، نیروی اقتصادی و سیاسی داخلی در موقعیت بهتری هست و در سطح بین المللی هم مورد حمایت وسیع قرار دارد، اما در توازن درونی کنونی هیئت حاکمه نمی تواند زیاد حرکت بکند. این هم یکی از عواملی هست که نمی گذارد این جناح سیاست خودش را پیش ببرد. عامل دیگر خود مسئله ساختار جمهوری اسلامی است. واقعیت این است که جمهوری اسلامی هرگاه بخواهد، اگر این فرض را هم بپذیریم که می خواهد یک سری تغییرات در درون خودش بدهد، خود این دستگاه سیاسی موجود باید تغییر بکند. یعنی در واقع شما می بینید یک سیستم سال های سال ساخته شده و این سیستم سیاسی خودش مانعی است، یعنی روبنای سیاسی باید کلا تغییر بکند. آیا این بدون تحولاتی سریع، بدون اینکه یک جابجائی های حتی قهر آمیز وجود داشته باشد، امکان پذیر هست؟ این را در واقعیت ما دیدیم

که امکان پذیر نیست. بنابراین خود ساختار سیاسی جمهوری اسلامی چنان مانعی است که به جناح خاتمی نیز امکان پیشبرد سیاست هایش را نمی‌دهد.

علت دیگر، ماهیت ارتجاعی خود جناح خاتمی است که از سیستم سیاسی موجود پاسداری می‌کند و به شدت از مردم می‌ترسد. در این مورد اشاره کنم که آنها تا به آن حد مرتجع‌اند که در جریان انتخابات اخیر حتی حاضر نشدند کسانی را از نهضت آزادی و غیره در لیست انتخاباتی خودشان بگذارند و استدلال شان هم این بود که ما بهر حال به ولایت فقیه معتقد هستیم و آنها یک اما و اگرهایی دارند. بنابراین عوامل مختلفی در این وسط عمل می‌کنند که اینها هم نمیتوانند سیاست خودشان را پیش ببرند. این هم بازمین واقعیت را نشان میدهد که رژیم موجود قادر نیست تضادهای خودش را حل بکند، بر بحران حکومتی موجود غلبه بکند و از طریق غلبه بر بحران حکومتی موجود به حل بحران سیاسی عمومی جامعه پردازد. بنابراین وضعیت چه خواهد شد؟

ارزیابی من این است که بطور کلی وضعیت جامعه همراه با اعتلای مبارزه توده ای خواهد بود و تلاطمات درونی هیئت حاکمه هم شدید تر خواهد شد. این واقعیت را همین مجلسی که قرار است در آینده تشکیل شود از هم اکنون نشان داده است. در این مجلس هیچ جناحی آنچنان اکثریتی نخواهد داشت که بتواند مسائل دولت را در آنجا، در آن محدوده‌ای که مجلس باید پیش ببرد حل بکند. و یکی از مراکز اصلی بحران حکومت در آینده اینجا خواهد بود. بنابراین اگر ارکان ها و نهادهایی طی چند سال گذشته دچار کشمکش ها و بحران های شدید نبودند از این بعد آنها با بحرانهایی شدید روبرو خواهند شد، ما شاهد خواهیم بود که این بحرانها و این کشمکش های درونی هیئت حاکمه به مراتب شدید تر خواهد شد. و اگر این را بپذیریم که براساس این فاکتهای موجود، این بحران یک بحران قانونی نیست، یعنی بحرانی نیست که بتواند در چارچوب نظام موجود حل بشود، بلکه بحرانی است که یک دگرگونی انقلابی را می‌طلبد، بنابراین چشم انداز را میتوانیم به این شکل تصویر بکنیم: تشدید بحران سیاسی موجود، اعتلای مبارزه توده مردم به یک موقعیت انقلابی و سرنگونی جمهوری اسلامی.

طبیعی است که ما وقتی از فراروئیدن مبارزه مردم، اعتلای مبارزه و بحران سیاسی موجود به یک موقعیت انقلابی صحبت می‌کنیم، محتمل ترین حالت را مد نظر داریم. میدانیم در جامعه افراد زنده وجود دارند، گروههای سیاسی معین وجود دارند، دولت وجود دارد و دهها و صدها اتفاق می‌تواند در این میان بیفتد و آن موقعیت انقلابی حتما پیش نیاید، حتما موقعیت انقلابی هم پیش بیاید و منجر به یک انقلاب نشود. بنابراین این آنچه که ما رویش تاکید داریم، محتمل ترین حالت است. طبیعی است که اگر شرایط تغییر بکند، اگر تحولات براساس این روند عینی پیش نرود و منجر به یک موقعیت انقلابی نشود، این رژیم جمهوری اسلامی، طبیعتا این رژیم جمهوری اسلامی گذشته نخواهد بود. اما بر مبنای فرضیات کمتر محتمل نمی‌توانیم برنامه ریزی کنیم، نمی‌توانیم تاکتیک های خودمان را تعیین بکنیم، نمی‌توانیم وظائف خودمان را تعیین بکنیم. محتمل ترین حالت را ما عجالا تحول اوضاع به یک موقعیت انقلابی می‌دانیم. اگر این تحولات به این شکل هست، آیا کمونیستها و نیروهای به اصطلاح چپ در جامعه چه نقشی می‌توانند داشته باشند. در وهله اول واقعیتی که همه کسانی که اینجا هستند آنرا می‌دانند این است که چپ در مرحله کنونی یک نیروی ضعیفی است. ضعف اش هم به خاطر کمیت نیست، ضعفش در پراکندگی است. دهها گروه و سازمان و صدها برابر بیش از آن نیروهای منفرد را در سطح جنبش داریم. این یک نیروی بسیار قوی هست اما متاسفانه در شرایط کنونی این نیرو پراکنده است و همین هست که منجر به ضعف چپ شده است. اما این یک جنبه قضیه است. اگر قرار است که جنبش توده ای اعتلای پیدا کند، اگر قرار است که بحران سیاسی موجود به یک بحران وسیع و پدیده تبدیل شود و به یک موقعیت انقلابی تبدیل شود، طبیعی است که همراه با مبارزه پدیده کارگران و زحمتکشان باشد. و طبیعی است کارگر و زحمتکشی که به عرصه مبارزه سیاسی می‌آید، شعارهایش همان شعار های چپ باشد. حتما دانشجو و روشنفکری که به مبارزه آشکار و علنی با رژیم روی می‌آورد، مطالبات و شعارهایش، شعارهای چپ خواهد

بود. شما در جریان حرکت دانشجویی این را خیلی خوب دیدید. دانشجویان تا زمانی که در درون دانشگاهها بودند خیلی آرام بودند، همین که آمدند بیرون، شعار سرنگونی حکومت را شعار سرنگونی تام و تمام حکومت را مطرح کردند. توده هائی که به آنها پیوستند همین شعار را مطرح کردند. این در واقع مطالبه و شعار خودشان بود. چپ شعارهایش و مطالباتش براساس نیازهای جامعه و خواست های مردم تنظیم شده است. همین اشاره ای که الان کردم که مثلا کارگران فلان کارخانه از همین حالا آمدند مسئله کنترل کارگری را مطرح کردند، تنها چپ میتواند، این مطالبه و این شعار را مطرح کند. سر مسئله زنان نه خاتمی و نه هیچ لیبرال و رفرمیستی قادر خواهد بود به مسئله زن، به مطالبات زنان در ایران پاسخ دهد. فقط چپ قادر است به آن جواب دهد، چرا، چون چپ چیزی را می‌بیند که بسیار فراتر از این مسائل است و میتواند دقیقا در این چارچوب حرکت بکند. بنابراین اگر که اعتلای مبارزه توده‌ای صورت گرفت این چپ هست که قدرتمند خواهد بود، چپ هست که شعارهایش نیروها را بسیج خواهد کرد. بنابراین چپ بسیار، بسیار زمینه رشد دارد این چپ هم فقط این چپی که در خارج کشور وجود دارد، نیست. چپ در وهله اول همان نیروی اجتماعی مشخص، یعنی کارگران و زحمتکشانی است که در جامعه وجود دارد و ما بسیاری از شعارها و مطالبات را تقریبا اکثرشان را، تقریبا تمام شان را از همان حرکت در گذشته گرفتیم. بنابراین در واقع چپ زمینه رشد دارد. اگر جنبش اعتلای پیدا کند، فقط چپ هست که می‌تواند این وسط قدرتمند بشود. البته این واقعیت رو بگم که این جریان با اصطلاح خود بخودی هست. نقش و تاثیر چپ آگاه، چپ متشکل و در وهله اول تاکید روی کمونیستهاست، در این میان چی هست. آیا چپ آگاه میتواند در این میان نقش داشته باشد، آیا می‌تواند برجانبش توده ای تاثیر بگذارد، اول صحبتم اشاره کردم، در لحظه کنونی نه. واقعیت اینست که ضعیفه. چپ نیروی تاثیرگذاری در لحظه کنونی نیست. گیریم که مثلا فرض کنیم حالا نیروی غیر متشکل در کارخانه هاهم باشد، در دانشگاهها هم باشد، تک و توک اینجا و آنجا باشد و همین سازمانهای سیاسی، همین عناصر منفرد و غیره و ذالک، تاثیر اینها بسیار محدود است. آیا می‌شود در این اوضاع کاری کرد؟ در سال های گذشته ما دیدیم که تلاش هائی در این زمینه از سوی سازمانهای مختلف صورت گرفت تا حداقل در چارچوب یک تشکیلات واحد، یک حزب واحد چپ ترین گرایشات متشکل شوند تا از این طریق چپ بتواند روی مبارزات مردم تاثیر بگذارد، اما متاسفانه نتیجه ای در پی نداشت. اما آیا این بدان معناست که ما بازم کاری نمیتوانیم بکنیم. آیا نمی‌توانیم به شکل دیگری مبارزه مشترکی را بخصوص در شرایط کنونی پیش ببریم. بنظر ما یک چنین چیزی امکان پذیر هست. اگر نمیتوانیم بر مبنای سوسیالیسم و بر مبنای یک حزب واحد با هم مبارزه مشترکی را داشته باشیم، بر مبنای دیگری می‌توانیم. ما امروز میدانیم در جامعه ما گروهی طرفدار رفرم هستند. گروهی می‌خواهند نظم موجود را حفظ کنند، گروهی می‌خواهند توده مردم را از انقلاب دور بکنند. آیا در مقابل اینها کسانی نیستند که طرفدار انقلاب باشند؟ طرفدار سرنگونی جمهوری اسلامی باشند؟ طرفدار تحولات به شیوه‌ای انقلابی باشند؟ طرفدار تحولات از پائین توسط توده مردم باشند؟ قطعاً هستند. تمام این چپها، چپهای انقلابی که متمایز شون بکنم از جریانات لیبرال و رفرمیست، در این نقاط سهیم و مشترک هستند. بنابراین یک چنین چیزی امکان پذیر هست. امکان پذیر بودنش در این هست که ما این را می‌پذیریم که خواهان یک دگرگونی به شیوه انقلابی هستیم و این دگرگونی باید توسط توده مردم از پائین صورت بگیرد. این نقطه اشتراک ما خواهد بود. اگر این را بپذیریم، اگر من می‌پذیرم که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و خواهان انقلاب هستم طبیعی هست که من باید خواهان انجام یک سری تحولات، یک سری دگرگونی ها به شیوه ای رادیکال، به شیوه ای ریشه ای باشم. این یک جنبه قضیه است. طبیعی است که بر این اساس باید سرنگونی جمهوری اسلامی را بخواهم. یعنی با این دیدگاه من باید خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی باشم. اما از طرف دیگر ما خواهان یک رشته تحولات توسط توده مردم هستیم یعنی به اصطلاح شیوه دمکراتیک، یعنی مردم ابتکار عمل را در دست داشته باشند. توده مردم، کارگران و زحمتکشان

تکرار تناقضات پیشین

بیشتری در رهبری شوراهای داشتند، اوضاع بهتری شد؟ آیا عوامل خارجی، تهي شدن شوراهای از مفهوم طبقاتی آن را سببیت داده و تحت فشار این انحرافات حزب بلشویک نیز، مجبور به اعمال سیاستها از بالا شده یا اینکه برداشت حزب بلشویک از دیکتاتوری پرولتاریا، اعمال حاکمیت و اراده بخش پیشرو طبقه کارگر در حزب متشکل بودند را موجب شده است؟ اعمال اراده رهبری حزب بر شوراهای عامل جایگزینی مدیریت بورژوازی بجای مدیریت کارگری در عرصه اقتصادی بوده و یا بالعکس؟ چرا پیشرو ترین بخشهای طبقه کارگر، همواره تحت فشار عوامل خارجی، سیاستهایی بر علیه منافع عمومی طبقه کارگر اتخاذ کرده اند؟ اگر به یک عبارت، سوسیالیسم به معنای اعمال حاکمیت مستقیم، نیرومند، خلاق و گسترده طبقه کارگر می باشد، در شرایطی که شما نیز معتقد هستید که به فاصله چند سال پس از انقلاب اکتبر کمیته های کارخانه و شوراهای از صحنه اقتصادی بیرون رانده شدند و در عرصه سیاسی نیز اعمال حاکمیت رهبری حزب بجای طبقه کارگر نشست، چگونه از دیکتاتوری پرولتاریا و تداوم آن تا اواسط دهه ۸۰ دفاع می کنید؟ چون اکثر دلایلی که برای شکست انقلاب شوروی ذکر کرده اید و همچنین مشکلات عدیده دیگری برای هر انقلاب سوسیالیستی مفروض وجود خواهد داشت آیا شیوه تحلیل شما، شکست قطعی هر انقلاب سوسیالیستی دیگری را نیز اعلام نمی کند؟ اصرار شما بر اعلام مکرر این نکته که انحرافات دولت شوروی به دلیل فشار عوامل بیرونی بوده و دولت شوروی ناگزیر شده که بر شورای کمیسرهای خلق اعمال اراده کند، ناگزیر شده مدیریت بورژوازی را معمول کند، ناگزیر بوده آزادیهای سیاسی را محدود کند، ناگزیر بوده سیستم تک حزبی را اعمال کند، ناگزیر بوده طرح نپ و سپس چرخش بزرگ را به اجرا بگذارد، ناگزیر شده نپ من ها و کولاک ها را سرکوب کند و الخ آیا منطبق با متدولوژی مارکسیستی است؟ آیا اعلام اینکه "دورانی که از به قدرت رسیدن خروشچف آغاز و به گورباچف ختم می شود، دوران سلب قطعی قدرت از طبقه کارگر و انحطاط تام و تمام دیکتاتوری پرولتاریا و برچیدن دمکراسی پرولتری است. دولت و حزب کمونیست کاملاً قلب ماهیت می دهند. طبقه کارگراز قدرت کنار زده می شود. بورژوازی مجدداً، قدرت را به دست میگیرد." با تعبیر مارکسیستی سوسیالیسم و تاکیدات مکرر قطعنامه مبنی بر اینکه از دهه ۲۰ بجای حاکمیت مستقیم کارگران حاکمیت حزب و رهبری آن نشست است بود در تضاد نیست؟

رفقا اشکال اصلی مواضع شما در این است که ابتدا حکم می دهید که شوروی حتی در دوره استالین سوسیالیستی بوده و انحرافات بتدریج نضج گرفته و با روی کار آمدن خروشچف این انحرافات تشدید شده و سپس سعی میکنید تحولات شوروی را بر این مبنای تحلیل کنید. طبیعی است که تحلیل نهایی آکنده از تناقضات و ابهامات زیادی باشد. اگر معتقد هستید که دیکتاتوری پرولتاریا در تعبیر مارکسیستی آن نه دیکتاتوری حزب یا بخشی از طبقه کارگر بلکه اعمال حاکمیت مستقیم و گسترده آحاد طبقه کارگر است و حداقل از اواسط دهه ۲۰ ماهیت دولت شوروی خلاف این تعبیر بوده، بایستی یکبار دیگر و بدون جانبداری اولیه، تحولات شوروی را بررسی کنید، در غیر اینصورت، در فردای انقلاب سوسیالیستی، شما نیز راه حزب بلشویک را که به شکست انقلاب منجر خواهد شد انتخاب خواهید کرد.

۹۹/۱۲/۲۰ ک - پویان

ابتکار عمل را در دست داشته باشند. در این حالت یک مسئله دیگر پیش میاید. چگونه امکان پذیر است که توده مردم این کار را انجام بدهند. آیا جزاین امکان پذیر است که ارگانهای اعمال قدرت توسط خود توده مردم ایجاد شود، ارگانهای اعمال حاکمیت مستقیم مردم برقرار بشود؟ و این چگونه امکان پذیر است؟ ما در تجربه گذشته انقلاب دیدیم که مردم ارگانهای خاص خودشان را بوجود آوردند، در شکل کمیته های محلات، در شکل شوراهای. ما باید به یک واقعیت در جامعه مان توجه کنیم، تجربه گذشته ما این را نشان داد که این شوراهای هستند. بنابراین می شود بر مبنای همین محور، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد یک حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان و توده مردم، متحد شد. چرا نمی شود؟ یعنی در واقع اگر که یک نیروئی انقلابی هست اگر نیروئی خواهان سرنگونی هست، اگر نیروئی خواهان ابتکار عمل توده ای هست، حالا بگیریم که بر سر این مسئله اختلاف داشته باشیم که مثلاً تعریف دقیق کارگران و زحمتکشان چیست؟ این اختلاف را می شود گذاشت کنار و بر مبنای یک چنین پلاتفرمی متحد شد. یعنی پلاتفرمی که محورش سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی باشد. دیگر بسیاری از بحثها، بسیاری از اختلافات کنار خواهد رفت. این می تواند برای ما یک مینا و محور باشد. طبیعی است که مسائل مربوط به آزادی های سیاسی، حقوق دمکراتیک مردم، مسئله حقوق و آزادی های زنان، مسئله حقوق ملیت ها، مسئله حقوق اقلیت های مذهبی، مسئله مطالبات مشخص کارگران، مطالبات مشخص دهقانان و غیره و ذالک هم در این پلاتفرم میباید جای بگیرد و مورد اختلاف چپ بطور کلی نیست. اما آن چیزی که می تواند مورد توافق واقع شود، همان محور مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد حکومت شورائی است. با ارزیابی که ما داریم این چیزی هست که می تواند در شرایط کنونی یک نیروی وسیع را حول خودش متشکل بکند. تشکیلات ما در این زمینه تلاش هائی داشته، با یک سری سازمان ها و گروه ها تماس گرفته و با یک سری دیگر هم قرار است تماس بگیرد. تا اینجائی که پیش رفته، با استقبال عمومی روبرو شده است که این مسئله، یعنی ایجاد یک بلوک چپ انقلابی بر مبنای همین محور سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی بتواند شکل بگیرد. ما امیدوار هستیم که در چند ماه آینده اجلاس وسیعی از طرفداران ایجاد چنین بلوکی تشکیل شود، که اگر این بلوک شکل بگیرد و امیدوار هستیم که شکل بگیرد، می تواند تاثیر مثبتی روی مبارزات مردم داشته باشد، نقش مداخله گرانه ای در جنبش داشته باشد و چپ از این وضعیت نجات پیدا کند که فراخوانش را به مبارزه و تظاهرات، جریانات بورژوائی بدهند و در فلان تظاهرات سخن گویش فلان نماینده جریان بورژوائی باشد. این برای چپ ما واقعا تاسف آور است که امروز وقتی می خواهد تظاهرات برگزار کند، وقتی می خواهد راه پیمائی کند، وقتی می خواهد حرکت بکند، منتظر این است که فلان سازمان دمکراتیک فراخوان بدهد و این چپ برود علیه رژیم اعتراض کند. این بخاطر همان بی تشکیلاتی هست، بخاطر همین پراکندگی است که درون چپ هست و ما امیدوار هستیم که این مسئله بتواند حل شود و این محوری که به آن اشاره کردیم بتواند توافق جریانهای چپ، کمونیست های خیلی انقلابی، کمونیست های کمتر انقلابی، چپ هائی که حتماً ممکن است سر مسئله کمونیست بودنشان شک و تردید وجود داشته باشد قرار بگیرد. اگر با این حرکت مشترک، با این مبارزه مشترک پیش برویم، در آینده میتوانیم حتی در جهت تشکیلات های واحد تر حرکت بکنیم. در هر حال این تلاشی هست که صورت می گیرد، در حال انجام گرفتن هست، نتیجه اش هم هر چه باشد و ما امیدوار هستیم که مثبت باشد، تشکیلات ما به مسیر خودش به حرکت خودش در همین زمینه ادامه خواهد داد. سازمان ما مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی را به عنوان یک وظیفه فوری در دستور کار خودش قرار داده است و تا آنجا که توان داشته باشد، نیرو داشته باشد این وظیفه را پیش خواهد برد. چرا که ما معتقد هستیم هیچ راهی برای پیروزی مردم و تحقق مطالبات آنها جز از طریق سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی وجود ندارد.

کمیته های کارخانه را در هر کارخانه و کارگاه ایجاد کنیم

گزیده ای از نامه های رسیده

توصیح کوتاهی برستون گزیده‌ای از نامه‌های رسیده

رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند ، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند . عدم تذکر این مسئله ، بمعنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار میباشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم میگیرد .

تحریریه کار درگزینش نامه ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است .

نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت هایی از نامه های رسیده و همچنین یادداشت‌هایی را که از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکند، انتخاب کرده و آنرا بچاپ برساند. درج این مطالب ، لزوماً بمعنی تأیید مواضع نویسندگان ناممو یا تشکلهای نمیباشد. از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه مینویسند درخواست میکنیم نامه خود را اگر تایپ نمیکنند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قلبی

درابتدا، نامه "هیئت برگزارکننده کنفرانس دوم فعالین کمونیست جنبش کارگری" و "سند" ضمیمه آن که بعلت کمبود جا نتوانسته بودیم در شماره گذشته چاپ کنیم، از نظر تان میگذرد.

دوست عزیز

سندی که دریافت می کنید ، رونوشت نامه ای است که از جانب ما در اعتراض به جعل خبر برگزاری اولین کنفرانس فعالین کمونیست جنبش کارگری توسط نشریه اطلس به سردبیر این نشریه ارسال شده بود . با توجه به اینکه از زمان ارسال این نامه تا کنون دو شماره دیگر این نشریه منتشر شده است و سردبیر آن تا کنون به هیچوجه خود رامقید به تصحیح اخبار و مطالب نادرستی که در نشریه منعکس شده بود ندیده است ، ما لازم دانستیم تا رونوشت این نامه را در اختیار نشریه شما قرار دهیم و امیدوار باشیم که شما برای اطلاع عموم دست به انتشار آن خواهید زد. با احترام هیئت برگزار کننده کنفرانس دوم فعالین کمونیست جنبش کارگری _ ۲ فوریه ۲۰۰۰

متن نامه باین شرح است:

آقای رضا سپید روی، سردبیر نشریه اطلس

نشریه اطلس شماره ۷۱ مورخ ۱۸ آذر (۹ دسامبر ۱۹۹۹) حاوی اخبار و اسنادی در باره کنفرانس اخیر فعالین کمونیست جنبش کارگری است که طی روزهای ۱۹ تا ۲۱ نوامبر در لندن برگزار شد. این مجموعه بدون ذکر منبع خبر

و بدون امضای نویسنده در نشریه درج شده است. از آنجا که این مجموعه حاوی اطلاعات غلط ، و درعین حال متأثر بر رفتار غیر اصولی است، لازم می دانیم این نکات را جهت اطلاع شما و خوانندگان نشریه اطلس به اطلاع تان برسانیم و توقع داریم که متن این نامه را در شماره بعنی نشریه منعکس کنید.

۱- مطالب نشریه با اظهار این خبر شروع می شود که : "اواخر ماه گذشته، جمعی از فعالین چپ و کارگری طی یک کنفرانس گروه "بنیاد کار" را تاسیس کردند . متن بیانیه ای که از سوی این بنیاد انتشار یافته، به شرح زیر است." تصور ما بر این است که شما حتماً اطلاعیه مطبوعاتی کنفرانس فعالین کمونیست جنبش کارگری را که وسیعاً پخش و در برخی مطبوعات نیز منعکس شده است ؛ مطالعه کرده اید. در این اطلاعیه صرفاً آمده است: " با اتکال به مباحثات دو روز اول کنفرانس ، تعدادی از فعالین جنبش کارگری طرحی برای ایجاد نهادی به نام "بنیاد کار" عرضه کردند که مورد استقبال بخشی از حضار قرار گرفت. به عبارت دیگر اولاً، نهادی بنام "بنیاد کار" در این کنفرانس تاسیس نشد، ثانیاً، تا تاریخ ۹ دسامبر که شماره مذکور نشریه اطلس منتشر شد هنوز چنین بنیادی ابراز وجود نکرده بود ، ثالثاً از طرف چنین نهادی هنوز تا امروز اطلاعیه ای منتشر نشده است که از طرف نشریه اطلس منعکس شود؛ رابعاً هیئت برگزار کننده کنفرانس فعالین کمونیست جنبش کارگری اطلاعیه تاسیس " بنیاد کار" ی را منتشر نکرده است که شما آنرا به اسم این هیئت نقل کرده اید ، خامساً ، فقط پاراگراف آخر اطلاعیه ای که شما در نشریه درج کرده اید، درحقیقت پاراگراف آخر اطلاعیه پایانی کنفرانس است. با این توضیحات نشریه اطلس بطور روشن دست به جعل اسناد زده است و بدین طریق اخبار غلط و نادرستی را به اطلاع خوانندگان خود رسانده است که باید تصحیح شود.

۲- در پایان متن تجلیل نامه ای که کنفرانس در تقدیر از رفیق آلبرت سهرابیان تهیه کرده و شما در نشریه اطلس منعکس کرده اید تعدادی اسامی آورده شده است. در این باره ضروری است توجه شما را به این نکات جلب کنیم، اولاً، چندین نفر از کسانی که نام آنها در اینجا آورده شده است در کنفرانس حضور نداشتند، ثانیاً انعکاس علنی اسم هر فرد تنها با اطلاع قبلی و جلب رضایت خود او باید صورت گیرد ، چنین عملی از طرف نشریه اطلس صورت نگرفته است و امضای کنندگان این سند نیز اجازه انتشار این سند به همراه اسامی خود را به نشریه اطلس نداده‌اند. بدین ترتیب شما نه فقط به حرمت شخصی افراد تجاوز کرده‌اید بلکه برای تعدادی امنیت شخصی شان را نیز به خطر انداخته اید. به این دلایل ما

این اقدام شما را قویاً محکوم میکنیم. ۳- اگر شما مایل بودید اخبار این کنفرانس را بطور درست در نشریه اطلس منعکس کنید ضروری بود قبل از انعکاس اخبار آن، با برگزارکنندگان این کنفرانس تماس می‌گرفتید تا شما را بطور اصولی در جریان مسائل قرار میدادند. متأسفانه شما بدون این تلاش عمل کرده اید و بدین ترتیب مرتکب یکرشته رفتار غیر اصولی شده اید که نه فقط اطلاعات خلاف واقع را به اطلاع خوانندگان نشریه می رساند بلکه نافی امنیت و حرمت شخصی افراد زیادی هم شده است. با احترام

هیئت برگزارکننده کنفرانس دوم فعالین

کمونیست جنبش کارگری

۲۳ دسامبر ۹۹

آلمان _ رفیق عزیز ح. ز. ز. : نامه و انتقاد شما در مورد استفاده از واژه شهید و شهدا، دریافت کردیم . این واژه ها همانطور که خود شما در نامه اشاره کرده‌اید، واژه‌های مصطلحی است که بخشا خود را به فرهنگ و ادبیات چپها و کمونیست ها نیز تحمیل کرده اند. گرچه در نشریات سازمان عمدتاً واژه جان باخته گان بکار میرود، معهداً باید اعتراف کنیم که از این واژه ها ولویطور ناخواسته نیز استفاده شده است که این البته درخور انتقاد است. باسپاس از توجه و تذکر بجای شما. پیروز باشید.

آلمان _ رفیق عزیز ، د: نامه ای که در مورد سعید عقیقی دانشجوی پیشگام برای ما فرستاده بودید ، دریافت کردیم . چنانچه به عکس رفیق نیز دسترسی دارید ، آن را نیز برایمان بفرستید تا در فرصتی مناسب به درج بیوگرافی این رفیق وجریان مفقود شدن و سرانجام جان باختن وی ، اقدام کنیم . با تشکر قلبی و با گرامیداشت یاد تمامی جان باخته گان راه سوسیالیسم.

هلند _ دوست عزیز ن _ فرم درخواست آبونمان نشریه وهزینه یکسال آن را دریافت کردیم . نشریه کار به آدرسی که داده اید فرستاده می شود. موفق باشید.

* رفقای عزیز کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) ، همراه با ارسال خبرنامه خود، کارت های تبریکی نیز برای ما فرستاده اند که ضمن اظهار تشکر، ما نیز متقابلاً بهار و نوروز را به این رفقا و سایر رفقا و دوستانی که سازمان را مورد لطف خود قرار داده اند، تبریک میگوئیم .

اخباری از ایران

در جریان تجمع اعتراضی کارگران در برابر مجلس، یکی از کارگران درحالیکه پیراهن خود را به دوسر میچرخاند، فریاد می زند "محبوب خدا حافظ!" همچنین شماری از کارگران اخراجی بافت آزادی، هم علیه مصوبه مجلس و هم علیه محبوب و خانه کارگر شعار دادند که پلیس آنها را متفرق کرد. در این تجمع اعتراضی، کارگران علاوه بر حمل پلاکاردهائی که برخی مطالبات خویش را بر آن نوشته بودند، با سر دادن شعار، به ابراز مخالفت با مصوبه مجلس پرداختند. کارگران از جمله چنین شعار میدادند. " مجلس به ما چه ها کرد، ظلم بی انتها کرد، مجلس به ما عیدی داد، یک نان آجری داد، مرگ بر مخالف کارگر، قانون برده داری محکوم باید گردد، یازده اردیبهشت، اعتصاب، اعتصاب" قابل ذکر است که در مخالفت با این مصوبه، علاوه بر اعتراضات کارگری در تهران، در سایر مناطق و استانها نیز، کارگران به ابراز مخالفت با آن پرداختند. برای نمونه کارگران پنبه نسوز نهبندان در جنوب خراسان و نیز جمع کثیری از کارگران واحدهای تولیدی، خدماتی و صنعتی کرمانشاه نیز با برپائی اجتماع اعتراضی، خواستار لغو این مصوبه شدند.

تحصن کارگران پتروشیمی

۳۰ تن از کارگران شاغل در پتروشیمی ارومیه که از سه ماه پیش توسط مدیریت این واحد اخراج شده اند و همچنان بلا تکلیف می باشند، روز شنبه ۱۴ اسفند، در محل استانداری آذربایجان غربی دست به تحصن زدند و خواستار روشن شدن وضعیت خود شدند. قابل ذکر است که هیئت تشخیص اداره کل آذربایجان، حکم اخراج این کارگران را که ۳ تا ۴ سال سابقه کار دارند، صادر نموده است ولی هیئت حل اختلاف هنوز نظر قطعی خود را نداده است. معهدا سازمان تامین اجتماعی استان نیز از پرداخت مقرری بیمه بیکاری به کارگران اخراجی، خود داری می کند.

صفحه ۱۳

کارگران جاده را بستند

در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق و مزایا، کارگران کفش ملی، ابتدا در برابر در ورودی این کارخانه اجتماع کردند و سپس اقدام به مسدود ساختن مسیر جاده قدیم تهران - کرج نمودند. کارگران خواستار پرداخت سه ماه حقوق عقب افتاده خود شدند.

تجمع اعتراضی کارگران فرش اکباتان

روز دوشنبه دوم اسفند ماه، بیش از ۲۰۰ تن از کارگران شرکت فرش اکباتان با تجمع در برابر استانداری قزوین، خواهان پرداخت حقوق های معوقه خود شدند. قابل ذکر است که این کارخانه در شهر صنعتی البرز قرار دارد و از حدود دو سال پیش به حالت تعطیل درآمده است. صاحبان و مسئولین کارخانه، علاوه بر آنکه دوماه است حقوق و نیز پاداش و عیدی ۳۱۰ کارگر این کارخانه را نداده اند، بیش از ۳۴۰ نفر از کارگران را نیز باز خرید نموده اند و حتی مبالغ باز خریدی این دسته از کارگران را نیز بطور کامل نپرداخته اند.

تجمع اعتراضی کارگران در برابر مجلس

به دنبال تصویب قانون معافیت کارگاههای با پنج کارگر و کمتر، از شمول قانون کار که موج اعتراض و نارضایتی کارگران را در سراسر ایران برانگیخت، روز چهارشنبه ۱۸ اسفند، هزاران نفر از کارگران واحدهای تولیدی مختلف در برابر مجلس شورای اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار لغو این مصوبه شدند. در این اجتماع بزرگ، کارگران اتمام حجت کردند که اگر به خواسته های آنان رسیدگی نشود، دست به اعتصاب خواهند زد.



اجتماع اعتراضی

کارگران

در برابر مجلس

شورای اسلامی

کمک های مالی دریافت شده

ایالت	مبلغ	تاریخ
ایتالیا	بدون کد	۸۰۰ فرانک فرانسه
آمریکا	بدون کد	۱۰۰ دلار
	بدون کد	۲۰۰ دلار
ایران	برای انقلابی دیگر	۳۳ دلار آمریکا
استرالیا	هواداران سازمان - ماه دسامبر	۵۰ دلار استرالیا
	هواداران سازمان - کمک به نشریه	۲۰ دلار استرالیا
	هواداران سازمان - کمک به نشریه	۲۰ دلار استرالیا
	هواداران سازمان - کمک به نشریه	۱۰ دلار استرالیا
دانمارک	۹۹/۸/۳۱	۵۰ کرون
	۹۹/۹/۱۳	۵۰ کرون
	۹۹/۱۰/۲۹	۵۰ کرون
آلمان	هامبورگ - بدون کد	۲۰ مارک
	هامبورگ - رمان	۲۰ مارک
	هامبورگ - بدون کد	۲۰ مارک
	هامبورگ - هومر	۲۰ مارک
	هامبورگ - ۸ مارس	۳۰ مارک
	هامبورگ - شهریار	۳۰ مارک
	هامبورگ - مازیار	۱۰ مارک
سوئد	علیه رفرمیسم	۱۰۰ کرون
	به یاد فدائی شهید	۱۰۰ کرون
	بلوک چپ انقلابی	۱۴۰ کرون
	رفیق توکل	۶۰ کرون
	حکومت شورائی	۱۰۰۰ کرون
	برگ سبزی است تحفه درویش	۳۰۰ کرون
	ع - بدون کد	۱۰۰۰ کرون
	به خاطر زندانیان سیاسی	۲۰۰ کرون
	ش - ب به یاد فدائی	۱۰۰ کرون
	شهید سیامک اسدیان	۱۰۰ کرون



اعتراض کارگران داروسازی

کارگران داروسازی جابربین حیان، دریک نامه اعتراضی خطاب به شورای عالی کار، ضمن اشاره به تورم روز افزون و کاهش مداوم قدرت خرید کارگران، خواستار رسیدگی به وضعیت معیشتی و افزایش دستمزدهای واقعی کارگری شدند.

اخراج کارگران کشت و صنعت

۱۱ تن از کارگران شرکت مجتمع کشت و صنعت شریفان واقع در شهرری، روزشنبه ۱۵ اسفند، توسط مدیریت این واحد اخراج شدند. قابل ذکر است که این کارگران به همراه اعضای خانواده خود که به ۴۵ نفر میرسد و در ساختمان های مسکونی شرکت یاد شده ساکن بودند بعد از دریافت همزمان حکم اخراج و تخلیه منزل، همگی آواره بیابانهای شورآباد شهرستان ری شدند. یکی از کارگران اخراجی بعد از ۳۲ سال کارگری و داشتن دوسال سابقه کار در این واحد، می گوید "هرزمان که کارگران حق قانونی خود را مطالبه می کنند، مدیران شرکت می گویند شما را به عنوان اخلال گر به پاسگاه کهریزک تحویل میدهم" مدیران باین تهدیدات و پراکندن شایعه ورشکستگی شرکت، دست به اخراج کارگران زده اند و کارگران خواهان بازگشت به کار و امنیت شغلی خود هستند.

اعتراض و تحسن کارگران مبلیران

شنبه بیست و یکم اسفند، ۲۵۰ تن از کارگران شرکت سهامی مبلیران، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود، در یک اقدام اعتراضی، جاده مخصوص کرج را بستند. کارگران معترض با مسدود ساختن جاده و تحسن، صدای اعتراض خویش را بگوش تردد کنندگان رسانده و خواستار رسیدگی مسئولین به خواستههای خود شدند. یکی از کارگران متحصن با اشاره به سهامداران اصلی شرکت می گوید "این آقایان مدت دوسال است پولشان را وارد بازار خرید و فروش کرده اند و کارخانه مبلیران را بکلی ورشکست نموده و ۴۰۰ کارگر کارخانه به راستی گرسنه مانده اند" یکی دیگر از کارگران متحصن میگوید "ما آنقدر اینجا می مانیم تا سرانجام مسئولان صدای مارایشنوند و به اینجا بیایند. سراسر راههای قانونی را پیموده ایم، به همگی مقامات از جمله بیت رهبری، نهاد ریاست جمهوری و مجلس، نامه نوشتیم، اما این کاریج اثری نداشته است". شایان ذکر است که تا کنون ۱۵۰ کارگر این کارخانه را اخراج و یا بازخرید نموده که حق و حقوق آنها را نپرداخته اند و به سایر کار-

گران نیز بیش از بیست ماه است که هیچگونه حقوقی پرداخت نشده است.

اجتماع کارگران
شرکت چوب و صنعت

دهها تن از کارگران شرکت چوب و صنعت واقع در شهر صنعتی کاوه، روز ۶ اسفند در مقابل فرمانداری ساوه اجتماع نمودند و دست به تظاهرات زدند. خواست کارگران پرداخت حقوق معوقه، پاداش و دیگر مزایای کارگری بود. کارگران شرکت چوب و صنعت میگویند، حقوق آنها از آبان ماه پرداخت نشده، علاوه بر این کارفرما عیدی و پاداش سال گذشته و هزینه ایاب و ذهاب راطی یک سال نپرداخته است. کارگران خواهان تحقق هرچه فوری تر مطالبات خود بودند.

اجتماع کارگران نساجی بروجرد

حدود ۲۰۰۰ تن از کارگران کارخانه نساجی بروجرد، در اوائل اسفند ماه دست از کار کشیدند و در مقابل کارخانه اجتماع نمودند. آنها خواهان افزایش دستمزد، رفع تبعیض در مورد طبقه بندی مشاغل بودند. پس از وعده فرماندار که در محل حضور یافته بود، کارگران به سرکار بازگشتند.

اعتصاب و تحسن
کارگران شرکت آذرگاه

کارگران شرکت آذرگاه که حدود ۶ ماه است، حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند، دست به تحسن و اعتصاب در محل کارخانه زدند. کارگران این کارخانه که تعدادشان به ۸۵ نفر می رسد، تاکنون چندین بار اعتراض خود را نسبت به عدم پرداخت دستمزد ابراز داشته بودند. آنان از ماه گذشته تا اواخر اسفند، درسه مورد مدیران و کارفرمایان رابه گروگان گرفته و خواستار پرداخت دستمزد شده بودند. آنها هربار پس از وعده مقامات دولتی، مدیران را رها کرده بودند، اما بازهم خواستههای آنها تحقق نیافته بود. اعتراض کارگران همچنان ادامه دارد.

تجمع اعتراضی کارکنان راه آهن

حدود ۴۰۰ تن از اعضای تعاونی مسکن کارکنان راه آهن، در اعتراض به رای صادره از سوی دادگستری استان تهران درباره واگذاری مالکیت اراضی این تعاونی به فردی به نام فخرالدین صفحه ۱۵

اعلام موجودیت

((مبارزین خط انقلابی پ. کا. کا))

بخشی از نیروها و اعضای حزب کارگران کردستان ترکیه (پ. کا. کا) در مخالفت با خط مشی جدید این حزب، فعالیت مستقل خود را تحت عنوان "مبارزین خط انقلابی پ. کا. کا" آغاز نمودند. منشعبین عمدتا در جنوب شرقی ترکیه مستقرند و بخشی دیگر از زندانیان سیاسی در بندند. نشریه آلمانی "دنیای جوان" ضمن اعلام این خبر، از جمله به برخی موارد مورد اختلاف اشاره کرده است: "منشعبین از جمله با سیاست تسلیم طلبانه شورای رهبری حزب و عبدالله اوچالان مخالفند. آنها همچنین ساختار غیر دمکراتیک این حزب را مانعی بر سر راه هرگونه انتقاد درون حزبی می دانند. منشعبین آتش بس اعلام شده از سوی هفتمین کنگره پ. کا. کا را آتش بسی یکطرفه می دانند که جز بربریت و بردگی، نتیجه دیگری برای خلق کرد که سالها برای کسب ابتدائی ترین حقوق خود در مبارزه است. به بار نخواهد آورد."

از سوی دیگر در کنفرانسی که اخیرا در برلن برگزار شد. یکی از سخنگویان منشعبین، ضمن برخورد به مصوبات کنگره پ. کا. کا، عدم دعوت از مخالفین جهت شرکت در کنگره را محکوم نمود. وی همچنین افزود که شورای، رهبری حزب، بدون هیچگونه بحث درونی، خط عبدالله اوچالان را مورد تصویب قرار داده است. کنگره هفتم حزب کارگران کردستان ترکیه از تاریخ ۳ الی ۲۳ ژانویه در شمال عراق برگزار شد که در آن ۳۸۶ نماینده (۱۲۰ نماینده زن و ۲۶۶ مرد) شرکت داشتند. در قطعنامه پایانی این کنگره که در ارگان پ. کا. کا موسوم به "اوزگورپلیتیکا" درج شده است، پ. کا. کا آتش بس اعلام نموده و افزوده است که "از این پس مبارزه خلق کرد در چارچوب صلح و دمکراسی ادامه خواهد یافت و شاخه نظامی پ. کا. کا به "نیروی دفاعی خلق" تجدید سازماندهی می شود."

با کمک های مالی خود

سازمان

را یاری رسانید

پیام‌های رسیده به سازمان به مناسبت سالروز سپاهک

پیام سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

به مناسبت بنیانگذاری سازمان فدائیان (اقلیت)

رفقای عزیز!

ما سالروز حماسه خونین سپاهک در ۱۹ بهمن ۴۹ را به شما تبریک و شاد باش می گوئیم و خاطره نام نیک همه شهدای فدائی را که در راه تحقق آزادی، رهائی جامعه از سلطه دیکتاتوری و برای بنیاد ایرانی بدور از قید ستم طبقاتی، جان باخته اند، گرامی میداریم. رفقای عزیز!

درشرایطی سالروز حماسه سرخ سپاهک و قیام مسلحانه توده ای را پاس می داریم که کشورمان دوران پر تلاطم تغییر و تحولات سخت زایش انقلابی دیگر را پی می ریزد. شرایطی که با گسترش تحرکات مبارزات توده ای کارگران، زحمتکشان شهری، زنان، جوانان، دانشجویان، روشنفکران آزادیخواه از یک طرف و مبارزه و مقاومت دیرینه سال اقلیت های ملی و مذهبی که سالها زیرسخت ترین فشارها بوده اند از طرف دیگر مشخص می شود. درچنین وضعیتی فقدان یک آلترناتیو نیرومند چپ، ضرر جبران ناپذیری را متوجه مبارزه مردم ایران علیه سلطه استبداد و سرمایه داری حاکم میگرداند. از اینرو تلاش برای پی ریزی یک بدیل سوسیالیستی بر بستر اشتراکات در شرایط فعلی از اساسی ترین محورهای وظائف نیروهای چپ رادیکال و سوسیالیست برای تقویت صفوف بلوک طبقاتی کارگران و زحمت کشان و تحکیم امر مبارزه سرنوشت ساز کنونی است.

رفقای عزیز!

شرایطی چون امروز و از این دست که بر بستر مقاومت مردم بویژه طی سالهای اخیر فراهم آمد، بیش از هر زمانی مسئولیت ما را یادآوری میکند تا به پراکندگی ها غلبه کنیم و سیاستهای

پیام شورای هماهنگی ایرانیان هامبورگ
به "سازمان فدائیان (اقلیت)"

رفقا!

یادواره سپاهک و بنیانگذاری "سازمان چریک های فدائی خلق ایران" را که بی شک تلفیقی از عشق و مبارزه بوده است، به شما تبریک می گوئیم!

تردید نیست که رفقای شما و ما، در ۱۹ بهمن ماه سال ۴۹ مبارزه ای عاشقانه و رادیکال را، علیه امپریالیسم و سرمایه داری در شرایط دشوار آغاز نمودند. تجربه تاریخی اما، نشان داد که از یکسو عشق،

همسانی را نه بر پایه وحدت طلبی های سطحی بلکه بر مبنای برنامه عملی همه جانبه و اصولی، برای تحکیم صفوف مبارزه و پاسخگویی به انتظارات واقعی مردم پایه ریزی نمائیم. به گمان ما، فراهم آوردن همکاری و سازمان یابی مطلوب چپ در چنین شرایط تاریخی، تنها از کانال دخالتگری مسئولانه و آگاهانه نیروهای فراهم میآید که منافع حقیق و فرقه ای خود را در جهات غلبه بر پراکندگی ها، یا حفظ اختلافات ولی با تکیه بر حداقل اشتراکات به کناری نهند، حول اشتراکات اساسی شان گرد هم آیند و در ظرف سازمانی منعطفی، وحدت گرایشات گوناگون چپ انقلابی را امکان پذیر سازند. هر تلاش جدی برای نجات ایران از فلاکت موجود و تحقق خواسته های برحق و انقلابی مردم مقدم بر هر چیز درگرو این یگانگی برای درهم شکستن و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. یگانه راه تحکیم مبارزه همه جانبه و کارساز بر علیه رژیم، غلبه بر این پراکندگی نیروهای چپ و انقلابی می باشد. بار دیگر در سالروز بنیانگذاری سازمان چریک های فدائی خلق و حماسه سپاهک که مقارن با بیست و یکمین سالروز انقلاب بهمن است، برای رهائی جامعه از ستم سرمایه و تالانگری رژیم اسلامی، شما را به پاسخگویی عملی به سهم خود به چنین مسئولیتی دعوت میکنیم.

جاودان باد خاطره ماندگار شهدای سپاهک

و همه شهدای راه آزادی و سوسیالیسم

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران

(راه کارگر) بهمن ماه ۱۳۷۸

بدون اندیشه روشن و جهت یافته تئوریک قادر به دگرگونی در ساختار اجتماعی نیست! و از سوی دیگر "اندیشه" همیشه عاشق نیست!! در شرایط دشوار کنونی، که از یکسو جنبش اجتماعی در مقیاس بیشتری از عمق به سطح کشیده شده و چهره مشخص می یابد! و از سوی دیگر "وحشت از انقلاب" تعداد وسیع تری را به کام سقوط و سازش می کشاند، برای شما و همه سوسیالیستهای رادیکال ایران آرزوی موفقیت می نمائیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

شورای هماهنگی ایرانیان هامبورگ

پیام کانون زندانیان سیاسی ایران

(در تبعید) _ واحد آلمان

به سازمان فدائیان (اقلیت) _ آلمان

به مناسبت ۲۹مین سالگرد قیام سپاهک

رفقای گرامی،

۱۹ بهمن ۱۳۷۸، ۲۹ مین سالگرد قیام سپاهک و بنیانگذاری سازمان فدائیان (اقلیت) را صمیمانه به شما تبریک می گوئیم. ۲۹ سال پیش در حالی که رژیم سلطنتی شاه در خواب عمیق جزیره ثبات و آرامش بسر میبرد، رزمندگان فدائی، دوران جدیدی از مبارزات ترقی خواهانه علیه استبداد حاکم را در جنگهای سپاهک شعله ور کردند.

سپاهک سکوتی را که تحت تاثیر سرکوب سال های دهه سی و چهل به توده مردم ایران تحمیل شده بود، شکست و فصل جدیدی را در مبارزات

سیاسی و اجتماعی بر علیه ظلم و ستم حاکم گشود. توده مردم ایران در پیچ واره های استبداد تاریخی که قرنها بر زندگی آنان سایه گسترانده، در پی تغییر آن برگستره شیوه نوین مبارزاتی، قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ را آفریدند. با این امید که خود حاکمیت مستقیم بر سرنوشت شان را به دست گیرند، اما انقلاب توده های مردم در نیمه راه توسط حکومت اسلامی متوقف گردید. تجارب مبارزات دهه های گذشته، با تمام فراز و نشیب هایش این واقعیت را نشان می دهد که نظام حاکم و حکومت اسلامی را نیز باید از طریق یک انقلاب اجتماعی بر افکند. زمینه های مادی یک انقلاب در ایران در حال شدن است. توده مردم از وضعیت موجود خسته شده و خواهان دگرگونی های عمیق و پایه ای در ایران است. این توده علیرغم آنکه به ناچار در برخی از عرصه ها مجبور شده از اهرم های قانونی برای مبارزه با نظام حاکم استفاده کند، اما به تجربه به ویژه طی چند سال گذشته نشان داده است که به تغییرات از بالا باور نداشته و خود می خواهد مستقیما برای ایجاد یک جامعه نوین از طریق برقراری دمکراسی توده ای و آزادیهای سیاسی اقدام نماید. این توده در مسیر مبارزات خود به مشارکت و همکاری وسیع سیاسی و مبارزاتی نیاز دارد. یگانه راه پیوند با آنان در مرحله نخست ایجاد زمینه همکاری و اتحاد عمل میان نیروهای مترقی و انقلابی است.

کانون زندانیان

سیاسی ایران (در تبعید) _ واحد آلمان

۱۹ بهمن ۱۳۷۸

اخباری از ایران

صالحی، در برابر ساختمان قوه قضائیه واقع در خیابان جامی، دست به تجمع و اعتراض زدند.

تجمع اعتراضی معلمان در خرم‌آباد

دراعتراض به عدم پرداخت حقوق، صدها تن از معلمان خرم‌آباد با تجمع در برابر ساختمان آموزش و پرورش، خواستار پرداخت حقوقهای معوقه خود شدند. علاوه بر آن حدود ۱۵۰ نفر از فرهنگیان شاغل در مناطق محروم استان لرستان نیز در اعتراض به عقب افتادن حقوقها، در مقابل ساختمان استانداری تجمع کرده و خواستار پرداخت حقوقهای خود شدند.

تجمع اعتراضی در اصفهان

بیش از صد تن از شهروندان اصفهانی، در اعتراض به عملکرد شرکت مخابرات این استان و گران کردن نرخ فروش خط تلفن، در برابر ساختمان استانداری دست به یک تجمع اعتراضی زدند. پس از آن که استاندار در جمع اعتراض کنندگان حاضر شد و قول پیگیری داد، اعتراض کنندگان به تجمع خود پایان دادند.

چند خبر کوتاه

— محبوب دبیر کل خانه کارگر گفت سالانه بالغ بر ۱۲ هزار نفر در کارگاه های کشور دچار حادثه میشوند که بخش عمده آن در کارگاههای کوچک اتفاق می افتد.

— بالغ بر ۳۰۰ هزار کودک و در شرایط نامناسب در این کارگاهها به کار گرفته شده اند. با این همه آقای محبوب، سرحدی زاده و چندتن دیگر از مدعیان دفاع از حقوق کارگر، بلافاصله پس تصویب قانون معافیت کارگاه های کوچک از شمول قانون کار، با صدور بیانیه ای کارگران را به آرامش دعوت کردند و مدعی شدند که "تحقق حقوق کارگران در سایه قانون ممکن خواهد بود" (کار و کارگر ۹ اسفند ۷۸)

تصحیح و پوزش:

در شماره ۳۳۵ نشریه کار صفحه ۸، ستون یک، سطر ۳۲، سال ۱۳۷۵ صحیح است که اشتباهاً سال ۱۳۵۷ تایپ شده بود.

تحولات درونی حزب کارگر برزیل (PT)

مقدمه:

نمودند و خواهان تداوم روند سیاسی فعلی شدند. اقلیت که حمایت ۲۰ درصد از کنگره را داشت، شعار سرنگونی Cardoso را تاکتیک محوری خود خواند. دو دیدگاه موجود، در برخورد به تزا و قطعنامه های پیشنهادی نیز خود را متجلی نمودند. اکثریت از جمله لغو بدهی های برزیل به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را که سالهاست در برنامه حزب گنجانده شده است، رد نمود. همچنین قابل عزل بودن نمایندگان پارلمان و شهرداری ها که از سوی حزب کارگر پذیرفته شده بود، از سوی اکثریت رد شد. اکثریت در برنامه ریزی فعالیتهای آتی، اولویت را به "احراز هرچه بیشتر کرسی های انتخاباتی" قرارداد. از همینرو در برخورد به قطعنامه های پیشنهادی اقلیت که امر سازمان دهی مستقل کارگران، زحمتکشان و دهقانان فاقد زمین را به موازات شرکت در پارلمان مورد تاکید قرار میداد، به آن رای مخالف داد و آنرا ائتلاف انرژی خواند. اقلیت مبنای فعالیت آتی خود را سازماندهی مستقل کارگران و زحمتکشان و تلاش جهت تحقق مطالبات آنان قرارداد. اقلیت با اشاره به موارد متعدد در مناطق مختلف و رودروایستادن نمایندگان حزب کارگر با توده های به تنگ آمده، هشدار داد که نمایندگان حزب در شهرداریها که قرار بود عامل فشار به بورژوازی باشند، خود به عامل فشار بورژوازی بدل شده اند. آنها در تظاهرات ها و اعتصابات توده ای در مقابل ارگان های دولتی، از اعتصابیون می خواهند که "پرچم سرخ را زمین بگذارند تا مبدا بورژوازی رم کند."! اقلیت اعلام نمود که نمایندگان وابسته به این گرایش نظری هرکجا لازم باشد بین توده های مردم و بورژوازی، به انتخاب بنشینند، حتما جانب مبارزات توده های مردم را خواهد گرفت. کنگره با انتخاب رهبری که در بر گیرنده گرایشات مختلف نظری است پایان یافت. ۷ گرایش عمده نظری در ارگان های رهبری نمایندگی دارند:

حزب کارگر برزیل که دربرگیرنده گرایشات متعدد نظری است، در چندسال گذشته در برخی از ایالات و مناطق برزیل به ارگانها و نهادهای دولتی راه یافته است. این امر تأثیرات مستقیمی بر خط مشی این حزب داشته و گاه به دست کشیدن از مواضع رسمی حزب منجر شده است. مخالفت با این روند، به مباحث فراوانی در درون حزب دامن زده است. دومین کنگره حزب کارگر برزیل محل جدال نظری بین گرایشات نظری مختلف بود. مطلب زیر، ترجمه و تلخیص برخی مطالب و گزارشاتی است که درباره دومین کنگره حزب کارگر برزیل منتشر شده است. *****

دومین کنگره حزب کارگر برزیل که در اواخر نوامبر سال گذشته با شرکت ۹۲۷ نماینده در شهر Belo Horizonte برگزار شد، عمدتاً به بحث حول خط مشی سیاسی حزب اختصاص داشت. سه بحث با توافق بخش های مختلف حزب در دستور کار کنگره گنجانده شده بود:

- ۱- تدوین مبنای برنامه ای، ۲- ارزیابی از اوضاع کنونی برزیل و تصمیم گیری حول ائتلافات سیاسی در انتخابات شهرداریها در اکتبر ۲۰۰۰ و ۳- بحث حول درک از حزب طبقاتی. اما شدت اختلافات و ضرورت بحث حول برخورد به حاکمیت، عملاً دو موضوع مبنای برنامه ای و درک از حزب را تحت الشعاع قرارداد. لذا کنگره دوم عمدتاً به بحث حول چگونگی برخورد به حاکمیت اختصاص داشت. در برخورد به دولت Cardoso دودیدگاه موجود بود. یک نظر شعار حمایت از وی، تداوم روند فعالیت در ارگان های منطقه ای و ملی و تحقق مطالبات دمکراتیک را سرلوحه فعالیت حزب قرار می داد. نظر دوم شعار برکناری Cardoso و تلاش جهت سرنگونی آن را مطرح میکرد و راستای فعالیت حزب را سوسیالیستی ارزیابی می کرد. مباحث ۵ روزه، سرانجام کنگره را به اقلیت و اکثریت تقسیم کرد. ۸۰٪ از نمایندگان حمایت از حاکمیت فعلی برزیل را تصویب

نام گرایش	درصد آرا	تعداد کرسی در رهبری	تعداد کرسی در کمیته اجرایی
۱- جنبش PT	۱۳	۱۰	۲
۲- انقلاب دمکراتیک	۴۴	۲۵	۸
۳- دمکراسی رادیکال (*)	۸	۷	۱
۴- مبارزه توده ای PT	۳	۲	۱
۵- یا سوسیالیسم یا بربریت (**)	۲۱	۱۷	۴
۶- گرایش Nesso Tempo	۱۰	۸	۳
۷- بازگشت به ریشه PT	۲	۲	۲

توضیحات:

* دمکراسی رادیکال: این گرایش در تزهلی برنامه ای خود، از دمکراسی پارلمانی دفاع می کند، سابقاً مائوئیست بوده اند.
** سوسیالیسم یا بربریت: از گروهها و سازمانهای چپ تشکیل شده است.

گرامیداشت ۸ مارس در تهران

گروهی از زنان ایران، با برگزاری مراسمی در روز هشتم مارس در ساختمان مرکزی شهر کتاب واقع در خیابان حافظ شمالی تهران، روز جهانی زن را گرامی داشتند. برغم آنکه برای برگزاری این مراسم تبلیغاتی صورت نگرفته بود، اما بیش از هزار نفر در آن شرکت نمودند. در حالیکه صدها استقبال کننده دیگر که به محل برگزاری مراسم مراجعه کرده بودند به علت تکمیل ظرفیت سالن و نبودن جای خالی، نتوانستند در آن حضور یابند. در این مراسم، علاوه بر زنان ایرانی که در مورد چرائی بر میراث مشترک زنان، زن وادیات معاصر ایران، حرکت زنان در ایران، الگوهای تربیتی زنان و . . . به سخنرانی پرداختند، فوزیه حریری از افغانستان و رعنا هاید از بنگلادش نیز در مورد وضعیت زنان در این دو کشور سخنرانی کردند. در نگاه اول، این رخداد شاید چندان هم درخور توجه بنظر نیاید و اصولاً تحت یک شرایط دیگری میتوانست یک اقدام معمولی تلقی شود. اما بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زن زیر گوش یک حکومت فوق ارتجاعی وزن ستیز که هنوز بساط قصاص و سنگسارش همه جا پهن و جاری است و آپارتاید جنسی را به داخل اتوبوس ها و پارکها و بیمارستانها و امثال آن نیز تعمیم داده است و در یک کلام در پایمال کردن حقوق زنان روی همه رژیمهای ارتجاعی را سفید کرده است، اتفاقاً مسئله بسیار با اهمیتی است که نه فقط بیانگر رشد چشمگیر جنبش سیاسی زنان، بلکه درمقیاس وسیع تر، بازتاب دهنده رشد جنبش سیاسی و آزادیخواهانه همافشاراستثمار شده و ستم کشیده مردم ایران است. نابرابریهای حقوقی، تبعیضات طولانی مدت و ستم دیرینه و تاریخی علیه زنان را کسی منکر نیست، اما تحرک و اعتراض شفاف و اقدام جسارت آمیز امروز زنان را فقط با این نمیتوان توضیح داد. راست این است که رژیمهای مذهبی از جمله رژیم فوق ارتجاعی حاکم بر ایران، به

تمام این نابرابریها و تبعیضات رسمیت داده اند. بی حقوقی و تبعیض جنسی علیه زنان را در مقیاس های وسیع تری، تشدید نموده، فشار و بی حرمتی و بی حقی را از حد گذرانده و به اوج خود رسانده اند و حتی هویت انسانی زن را نیز زیر سؤال برده اند. و درست دریکی از همین مراکز اصلی ارتجاع و ستم و تبعیض جنسی است که بانگ اعتراض، در روز زن، طنین انداز میشود. اهمیت موضوع فقط در این نیست که این زنان در زیر فشار و خفقان و سرنیزه توانستند موانع و قید و بندهای عیدیه موجود بر سر راه برگزاری چنین مراسمی را از پیش پای خود بردارند و برغم همه تهدیدات، محدودیت ها و خطرها، مستقلاً چنین مراسمی را برگزار نمایند و عواقب آنرا نیز بجان بخرند. اهمیت موضوع حتی به این هم خلاصه نمیشود که علی رغم به رسمیت شناخته نشدن روز ۸ مارس بعنوان روز زن از سوی رژیم جمهوری اسلامی و نیز سلطنت پهلوی - این زنان آزادیخواه، روز ۸ مارس را بعنوان روز زن جشن می گیرند و برای نخستین بار و در برابر چشمان بهت زده مرتجعین، علناً به ابراز همبستگی بین المللی با سایر زنان می پردازند، بلکه اهمیت اساسی و کنه قضیه در این است که زنان با این اقدام شجاعانه خود، صاف و صریح باورهای رسمی رژیم را نفی کرده و شعائر حکومتی در مورد مسئله زن را آشکارا به مصاف طلبیده اند و خلاصه نیروی اعتراض و حمله خویش را درست بر یکی از نقاط بسیار حساس و بنیان های اعتقادی ارتجاع اسلامی فرود می آورند. بنابراین نفس برگزاری مراسم روز ۸ مارس و گرامیداشت آن بعنوان روز جهانی زن، از یک سو حاکی از شکست تمامی تلاش های حکومت مذهبی در خاموش سازی و سلب هویت زنان و نیز تحقیر و فروریزی هر چه بیشتر باورهای رسمی و حکومتی است، از سوی دیگر گامی است به پیش در راستای به میدان آمدن جنبش سیاسی و اعتراضی زنان.

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان

K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش

I. S. V. W
Postfach 122
Postamt 1061, Wien
Austria

دانمارک

I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد

M. A. M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه

A. A. A
MBE 265
23, Rue L ecourbe
75015 Paris
France

هلند

P. B. 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org



Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 336 apr 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی